

What Is the Holy Ghost?

روح القدس چیست؟

این پیغام توسط برادر ویلیام ماریون برانهام موعظه شده و بر روی نوار شماره‌ی ۱۲۱۶-۵۹ ضبط گردیده، تمام تلاش برای پیاده سازی پیغام شفاهی از روی نوار مغناطیسی صورت گرفته است. این پیام توسط PEYGHAM چاپ و منتشر شده است.

این موعظه توسط وب سایت www.peygham.net بصورت رایگان در اختیار شما گذارده شده، پیغام یک وب سایت غیرفرقه‌ای بوده و به مرجعیت نهایی کلام خدا و سر بودن خداوندمان عیسی مسیح ایمان دارد. این پیغام توسط نبی خدا ویلیام برانهام که بعنوان یک مبشر بین‌المللی شناخته می‌شود به زبان انگلیسی موعظه شده، و توسط گروهی از مقدسین که با این وب سایت همکاری می‌کنند، به زبان فارسی ترجمه شده است.

شما می‌توانید از طریق پست الکترونیکی email@peygham.net با ما در تماس باشید و جزوات و مقالات مربوط به پیغام زمان آخر را از این طریق دریافت نمایید. هرگونه چاپ و استفاده از مطالب این کتابچه منوط به دریافت مجوز از www.peygham.net می‌باشد.

۱. برای یک جلسه دشوار است... این جلسه مقداری متفاوت تر از جلساتی که ما معمولاً برگزار می کنیم، خواهد بود. معمولاً هر بار که جمع می شویم، جلسات به خاطر شفای بیماران و نیازهای فیزیکی است. این... تأکید بر روی آن قرار دارد. اما امشب ما یک بیداری را آغاز نموده ایم که مربوط به شفای جان است، جان انسان.

اگر چه، به خواست خدا، یکشنبه صبح در مدرسه ی یکشنبه، می خواهیم برای بیماران دعا کنیم. یک دعای مقرر برای بیماران. و اگر خدا بخواهد، در شب های این هفته می خواهیم در مورد امور ابدی برای جان صحبت کنیم.

۲. حال می دانیم که وقتی یک بدن شفا پیدا می کند، این باعث خوشحالی همه ی ما می شود. چون این کاملاً نشان می دهد که خدای ما بیماران را شفا می دهد. اما آن فرد بیمار، اگر آنها عمر درازی داشته باشند، شاید دوباره بیمار شوند یا شاید به همان بیماری که از آن شفا یافتند، مبتلا گردند. و آن شفا را بر طرف نمی کند. مثلاً پزشکان برای ذات الریه دارو تجویز می کنند و آنها دو روز بعد از اینکه پزشک سلامتی آنها را اعلام کرده، ممکن است بمیرند. این دوباره رخ می دهد. اما زمانی که آن جان شفا یافته باشد، آن وقت حیات ابدی را در خود دارید. من ایمان دارم که به آمدن خداوند عیسی بسیار نزدیک هستیم، و اکنون واجب است که ما تا آنجا که در توان داریم، هر جان را به ملکوت وارد کنیم و ملکوت را به درون مردم بیاوریم. یعنی اینکه ما باید از روح خود شفا بیابیم. ایمان دارم که بدن عیسی مسیح، بیمارترین بدنی است که می شناسم. که آن، آن بدن، بدن روحانی عیسی بر روی زمین است که بسیار بیمار است.

۴. و ما امشب قصد نداریم که مدت خیلی زیادی شما را نگه داریم. چون در نخستین شب، فضای کافی برای نشستن دوستان عزیزمان در اختیار نداریم. ما در حال

تلاش برای ساختن یک کلیسای جدید هستیم. یک خیمه‌ی بزرگ، درست همین‌جا، در این محوطه و یا هر جایی که خدا ما را هدایت کند. ولی تا جایی که می‌دانیم، همین‌جا. و اکنون، ما جلسات را برای روز چهارشنبه تا یکشنبه اعلام کرده‌ایم. یکشنبه نزدیک تعطیلات کریسمس است، ولی هر گاه که خدا هدایت کند، جلسات را متوقف کنیم؛ همان زمان خواهد بود. ما نمی‌دانیم که نتیجه چه خواهد بود. ولی ایمان داریم گروه‌هایی که اینجا در خیمه هستند و کلیساهای خواهر ما که یکی از آنها خیمه‌ی تقدس در یوتیکا^۱ است، جایی که برادر گراهام اسلینگ^۲ شبان آن است. و در نیوآلبانی^۳ جایی که برادر جونی جکسون^۴ شبان آن است. همچنین آن سمت، جایی که برادر رادل^۵ شبان است. آنها کلیساهای خواهر این کلیسا هستند. ما در تلاش هستیم تا قوم خود را به سمت یک ارتباط بهتر با مسیح بیاوریم. این هدف ما است. پس من ترجیح دادم که این چند شب آینده را به مطالعه و تعلیم پردازیم...

۶. امشب می‌خواهم در مورد موضوع «روح القدس چیست؟» صحبت کنیم. فردا شب هم می‌خواهم در مورد موضوع «برای چه داده شده؟» موعظه کنم. و جمعه شب، خطاب به مسئولین ضبط موعظه‌ها، نمی‌خواهم جمعه شب را ضبط کنید. می‌خواهم در مورد «چطور روح القدس را به دست بیاوریم و چطور زمانی که آن را یافته‌ایم، بدانیم؟» صحبت کنم. بعد باید ببینیم که خدا برای شنبه و یکشنبه، ما را به سمت چه چیزی هدایت می‌کند. یکشنبه صبح یک جلسه‌ی شفا و یکشنبه شب هم یک جلسه بشارتی دیگر خواهیم داشت. و اکنون می‌خواهیم که همه بدانند... می‌دانم که در اتاق پشتی

^۱ Utica شرق آمریکا

^۲ Brother Graham Snelling

^۳ New Albany شمال شرق آمریکا

^۴ Brother Junie Jackson

^۵ Brother Ruddell

در حال ضبط جلسه هستند و می‌خواهم این را بگویم، چون در چنین جلسات بشارتی، ما افراد مختلفی را از کلیساهای فرقه‌ای مختلف داریم که همه‌ی آنها در محدوده‌ی ایمانی خویش تعلیم یافته‌اند، این اشکالی ندارد. هرگز نخواسته‌ام که عامل اختلاف میان برادران باشم. در جلسات بیرون من در مورد حقایق بزرگ و بشارتی کتاب مقدس صحبت می‌کنم. چیزی که برادرانی که حامی جلسات من هستند، به آن ایمان دارند. ولی در جلساتی که اینجا در خیمه برگزار می‌شود، می‌خواهم در مورد چیزی صحبت کنم که ما به آن ایمان داریم. بنابراین اگر متوجه چیزی نشدید، خوشحال می‌شوم که در قالب یک نامه یا یک یادداشت این را به من اطلاع دهید و پرسید: "چرا ما به چنین چیزی ایمان داریم؟" و این باعث خوشحالی من خواهد بود که بتوانم با تمام توان خویش آن را برای شما شرح دهم.

۸. می‌دانید، تمام کلیساهای! اگر شما یک تعلیم نداشته باشید، کلیسا نیستید. باید چیزی داشته باشید که برای آن بایستید، قوانینی که به آن پایبند باشید. صرفنظر از اینکه وابستگی یک فرد و یا یک فرقه چه باشد، اگر آن فرد به روح خدا سوخته باشد، او برادر و یا خواهر من است. صرفنظر از اینکه... شاید ما در چیزهای دیگر متفاوت باشیم، مانند فاصله‌ی شرق تا غرب، ولی همچنان برادر هستیم. و کاری نمی‌توانم بکنم، جز اینکه تلاش کنم به آن برادر کمک کنم تا حرکتی نزدیک‌تر و بهتر به سمت مسیح داشته باشد. بعد فکر می‌کنم هر مسیحی راستین و حقیقی نیز همین کار را در مورد من خواهد نمود.

۹. حال، از اعضای خیمه خواسته‌ام... ما نمی‌خواهیم فقط به خاطر اینکه جلساتی طولانی داشته باشیم، به این موضوع وارد شویم. می‌خواهم به این موضوع وارد شوم و از شما خواسته‌ام که تمام پل‌های پشت سر خود را که هر گناهی را برای شما درست جلوه می‌دهند، خراب کنید. ما با تمام آنچه که در قلب و زندگی ماست، به این موضوع

وارد می‌شویم. ما باید تنها برای یک هدف به اینجا بیاییم و آن آماده نمودن جانمان برای آمدن خداوند است، نه هیچ هدف دیگری. همان‌طور که بارها گفته‌ام، شاید گاهی اوقات چیزی بگویم که با آنچه سایرین به آن ایمان دارند، اندکی در تضاد باشد. من، من برای مباحثه و جدال به اینجا نیامده‌ام. می‌دانید من، من... ما اینجا هستیم تا خود را برای آمدن خداوند مهیا سازیم.

۱۰. و فکر می‌کنم که این گروه کوچک... چند تن از برادران را اینجا ملاقات کردم که آنها را از جاهای مختلفی می‌شناسم و از اینکه اینجا با ما هستید، بسیار خوشحالم. بدون شک بسیاری هم در بین جمعیت هستند که از خارج شهر و شهرهای مجاور به اینجا آمده‌اند. از اینکه این قدر به ما محبت دارند که این مسیر را می‌آیند تا به ما گوش دهند، از همه‌ی ایشان سپاسگذاریم. برادرم! خواهرم! امیدوارم که گنج‌های بی‌پایان خدا در قلب شما لبریز گردد. این دعای من است.

۱۱. این خیمه‌ی کوچک، می‌دانید اعتقاد دارم بهترین مردمی که روی زمین هستند، به خیمه می‌روند... هرگز نگفته‌ام که همه‌ی ما بهترین هستیم. بلکه بعضی از بهترین افراد روی زمین، به این خیمه می‌آیند. ولی روز به روز و بعد از هر جلسه، یک نیاز بزرگ را در این خیمه احساس می‌کنم، و آن یک وقف عمیق، یک زندگی عمیق‌تر و یک حرکت نزدیک‌تر به مسیح است. به آنها انجام این را قول داده بودم، اینکه این پیغام را برای آنها داشته باشیم. و بسیار خوشحالیم که شما اینجا هستید و پیرامون کلام خدا، چنان که تعلیم می‌دهیم و سعی می‌کنیم که آن را منتشر کنیم، یک ارتباط خوب با هم داریم.

۱۲. حال، سه شب اول را نمی‌خواهیم که یک موضوع را انتخاب کنیم و در مورد

آن صحبت کنیم؛ بلکه یک پیغام، تا از کلام خدا تعلیم دهیم.

ولی هرگز انجام کاری را که خودم آن را انجام نمی‌دهم، از کسی نخواهم خواست. این هفته برای من یک جلجتای کامل بوده است. بسیار به خاموشی نزدیک بودم، تا جایی که تقریباً خودم نبودم. ولی کاملاً خودم و هر آنچه را که می‌دانم، به خدا تقدیم نمودم.

۱۳. آن شب، کمی بعد از نیمه شب، من و همسرم بعد از اینکه روی پله‌های جلوی خانه با دو کتاب مقدس باز نشستیم، دعا کردیم و با خداوند صحبت نمودیم، دوباره خودمان را برای خدمت به خدا تقدیم نمودیم؛ که تمام خواست‌های خود و هر تفکر منفی را به او تسلیم نماییم، تا به خداوند عیسی خدمت کنیم.

مطمئن هستم که رفتار شما نیز چنین بوده است. شما هم همین کار را کرده‌اید. و امشب زمانی که به مکان مقدس می‌آییم، به میان قومی می‌آییم که دعا و روزه داشته، بازگشت نموده‌اند و اینک در انتظار دریافت چیزی از جانب خدا هستند. و می‌دانم آنکه گرسنه بیاید، گرسنه اینجا را ترک نخواهد کرد. زیرا خدا او را به نان حیات سیر خواهد نمود.

۱۴. اکنون قبل از اینکه کلام مقدس او را بخوانیم، چند لحظه سرهایمان را برای دعا خم کنیم.

۱۵. خداوند! امشب در این مکان دعاها به تو تقدیم شده است. سرودهای صیهون توسط فرزندان خوانده شده است. قلب‌های آنها به حضور تو بلند شده است. و ما امشب آمده‌ایم تا خود را به تو و پرستش تو وقف کنیم و تو را از اعماق قلب خویش

بپرستیم. خداوندا! این را به یاد بیاور، زمانی که شاگردانت را بر کوه تعلیم می دادی گفتی: "خوشبحال گرسنگان و تشنگان عدالت، زیرا ایشان سیر خواهند گردید." ^۶ خداوندا! تو این را وعده دادی. امشب با قلب های گشوده آمده ایم. امشب گرسنه و تشنه آمده ایم و می دانیم که تو وعده ی خویش را حفظ خواهی نمود.

۱۶. همان گونه که تلاش می کنیم تا صفحات مقدس این کتاب مقدس را بگشاییم و محتوای آن را بخوانیم، باشد تا روح القدس آن را به تمامی قلب ها سرازیر سازد. و باشد تا آن بذر در اعماق قرار گیرد، در ایمانی راسخ، که هر وعده ای را که کلام داده است، به ثمر بیاورد. خداوندا! ما را بشنو. پاک ساز و بیازما. اگر چیزی ناپاک در ما وجود دارد، ای خداوندا! گناهی که اعتراف نشده، هر چیزی که درست نیست، ای خداوندا! اکنون آن را بر ما مکشوف ساز، تا ما مستقیم به آن سمت حرکت کنیم. چون می دانیم که در سایه ی آمدن خداوند عیسی، زیست می کنیم. و ما، اوه خداوند قدوس! امشب در سایه ی عدالت خویش بین ما بیا، زیرا امشب خواستار یک تخصیص تازه، یک وقف تازه، و یک پری روح القدس در زندگی خویش هستیم.

۱۷. می بینیم که شعله های بیداری رو به خاموشی است، ما را بر چوب کلام بینداز تا یک شعله تازه مشتعل گردد. تا قلب های ما پر از اشتیاق باشد. خداوندا! می خواهیم که ما را به کلام گرانبهایت، به خون خود، و به فیض خود تقدیس نمایی. خداوندا! تمام شکر و سپاس از آن تو باد. هر تعصب و غرور را از ما بردار، ما را پاک ساز. اوه ای خداوند! قلبی ناب به ما عطا کن، دستی پاک و دهانی پاک تا بتوانیم هر شب در قدوسیت تو بیاییم و از روح قدوس تو پر شویم. این را در نام عیسی مسیح می طلیم. آمین!

۱۸. حال می‌خواهم کلام را بخوانم. اگر تمایل دارید، می‌خواهم که کتاب مقدس و قلم و کاغذ خود را بیاورید. این خوب خواهد شد. می‌خواهم که برای پاسخ به سؤال یا شروع پاسخ به این سؤال که «روح القدس چیست؟»، کتاب اعمال رسولان باب ۷ را باز کنیم.

۱۹. هیچ چیز نیست که بتواند شیطان را مغلوب سازد. بر روی زمین تا بحال چیزی نبوده که شیطان را مغلوب سازد، به جز کلام خدا. عیسی نیز در نبرد بزرگ خویش آن را به کار برد. او گفت: "مکتوب است..."

۲۰. امروز صبح داشتم... چند روز پیش داشتم به یک برنامه‌ی رادیویی گوش می‌کردم که به نظر می‌رسید تلاش می‌کند تا بگوید، خلقت از وزیدن چند شن، مقداری فسفات و مقداری مواد معدنی روی زمین شروع شده و حرارت خورشید هم آن حیات را ثمر آورده است... چقدر مسخره! در حالی که خورشید، هر سلول حیات را خواهد کشت. چنین چیزی وجود ندارد. ولی شیطان تلاش می‌کند که این را به من القاء کند... امروز صبح بعد از اینکه ربکای^۷ کوچکم را به مدرسه بردم، در مسیر بازگشت دوباره رادیو را روشن کردم. به نظر رسید که دوباره به همان چیزها رسیدم. بنابراین رادیو را خاموش کردم. و همان‌طور که خیابان را طی می‌کردم، شیطان به من گفت: "می‌دانی، مردی که به او عیسی می‌گویی، مثل تو فقط یک انسان بود. یک روز در ایام خود، درست مثل بیلی گراهام^۸ یا اورال رابرتز^۹ او فقط یک انسان بود که چند نفر را دور خود جمع کرده بود که می‌گفتند او یک مرد بزرگ است. بعد از مدتی بزرگ‌تر شد و سپس برای آنها خدا شد. و حالا، از بعد مرگ او این در تمام دنیا پخش شده است، فقط همین."

^۷ Rebekah دختر برادر برانهام
^۸ Billy Graham
^۹ Oral Roberts

۲۱. و من گفتم: "عجب دروغگویی هستی!" بعد همانطور که از خیابان گراهام رد می‌شدم، گفتم: "شیطان! تو که با ضمیر من صحبت می‌کنی، می‌خواهم از تو چند سؤال بپرسم، او چه کسی بود که انبیای عبرانی از آمدنش صحبت می‌کردند؟ ماشیح مسح شده، که بود؟ این چه بود که بر مردانی قرار گرفت که هزاران سال قبل از او زندگیش را از پیش دیدند و بازگو کردند؟ چه کسی بود که کلمه به کلمه‌ی آن را از پیش گفت؟ و آنها می‌گفتند، زمانی که بیاید، از خطاکاران محسوب شد؛ و چنین شد. به سبب تقصیرهای ما مجروح گردید؛ و چنین شد. قبر او را با شیریان تعیین نمودند و بعد از مردنش با دولتمندان... او در روز سوم برخاست؛ و چنین شد. بعد او روح‌القدس را وعده داد، و من آن را یافته‌ام. پس از من دور شو. زیرا این مکتوب کلام است و هر کلمه‌ی آن حقیقت است." سپس او رفت. فقط کلام را به او بدهید. کلام این کار را می‌کند. او نمی‌تواند در برابر آن کلام بایستد، زیرا الهام شده است. بیاید امشب با خواندن باب هفتم کتاب اعمال رسولان شروع کنیم:

"آنگاه، رییس کهنه گفت: «آیا این امور چنین است؟»^۲ او گفت: «ای برادران و پدران، گوش دهید. خدای ذوالجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد، وقتی که در جزیره بود، قبل توقفش در حرّان.»^۳ و بدو گفت: «از وطن خود و خویشانت بیرون شده، به زمینی که تو را نشان دهم برو.»^۴ پس از دیار کلدانیان روانه شده، در حرّان درنگ نمود؛ و بعد از وفات پدرش، او را کوچ داد به سوی این زمین که شما الآن در آن ساکن می‌باشید.^۵ و او را در این زمین میراثی حتی به قدر جای پای خود نداد، لیکن وعده داد که آن را به وی و بعد از او به ذریتش به ملکیت دهد، هنگامی که هنوز اولادی نداشت.^۶ و خدا گفت که: «ذریت تو در ملک بیگانه، غریب خواهند بود و مدت چهارصد سال ایشان را به بندگی کشیده، معذب خواهند داشت.»^۷ و خدا گفت:

«من بر آن طایفه‌ای که ایشان را مملوک سازند، داوری خواهم نمود و بعد از آن بیرون آمده، در این مکان مرا عبادت خواهند نمود.»^{۱۰} و عهد ختنه را به وی داد که بنابراین چون اسحاق را آورد، در روز هشتم او را مختون ساخت و اسحاق یعقوب را و یعقوب دوازده پاتریارخ را.^{۱۱}

۲۲. امشب می‌خواهیم بر اساس این محور به موضوع خود بپردازیم، که فکر می‌کنم موضوع برجسته‌ی امشب باشد. «روح‌القدس چیست؟» چیست؟ دلیل اینکه این عناوین را به این صورت انتخاب کردم، این است که شما نمی‌توانید بیابید و روح‌القدس را دریافت کنید؛ مگر اینکه بدانید چیست، برای چیست، و زمانی که می‌آید، چه اعمالی را انجام می‌دهد. حتی «اگر بدانید که چیست»، نمی‌توانید آن را دریافت کنید، مگر اینکه ایمان داشته باشید این داده شده و از آن شماسنت. بعد نمی‌توانید بدانید آن را یافته‌اید یا نه، مگر اینکه بدانید چه ثمراتی خواهد داشت. پس اگر بدانید که چیست و برای چیست و زمانی که بیاید، چه اعمالی را انجام می‌دهد؛ آن وقت است که وقتی آن را دریافت کنید، می‌دانید که چه یافته‌اید. می‌بینید؟ آن، همه چیز را معین می‌کند.

۲۳. امروز با برادر جفریس^{۱۰} صحبتی داشتم. او می‌گفت: "دوست دارم که امشب در جلسه باشم. اما فردا شب آنجا خواهم بود." او نمی‌دانست که جلسات درحال برگزاری است. چون ما آن را فقط در اینجا اعلام نکردیم. بعضی از برادران... برادر لئو^{۱۱} و سایرین، برای برخی از دوستانمان در خارج از شهر نامه نوشتند و به آنها اطلاع دادند. خوب، چون ما فضای کافی نداریم...

۲۴. حال، گفتم: "برادر جفریس، اگر من را بفرستی تا منبع نفت شما را روشن کنم و من چیزی در این مورد ندانم، ممکن است آن را منفجر کنم. ممکن است کلید اشتباه را بزنم و یا یک موتور اشتباه را روشن کنم. قبل از اینکه این کار را انجام دهم، باید چگونگی انجام آن را بدانم." دریافت روح القدس هم به همین طریق است. باید بدانید که به دنبال چه هستید، چگونه دریافتش کنید و اینکه، آن چیست.

۲۵. حال، روح القدس وعده داده شده است. می‌توانیم ده هفته صرف کنیم و هرگز از این موضوع که روح القدس چیست، خارج نشویم. ولی اولین نکته، می‌خواهم به اندازه‌ی کافی به این پردازیم و هرشب زمینه‌ی آن را داشته باشیم تا در شب‌های بعدی سؤالی باقی نماند.

۲۶. اینجا چند نفر روح القدس را نیافته‌اند و تعمید روح القدس را ندارند؟ دست خود را بلند کنید. می‌دانید... به دست‌ها بنگرید.

اکنون می‌خواهم از این صحبت کنم، از نشانه بودن روح القدس، چون نشانه است. می‌دانیم که وعده‌ها از طریق... ابراهیم پدر وعده بود، چون خدا وعده را به ابراهیم و ذریت پس از او داد. وعده به ابراهیم و ذریت وی داده شد و این نشانی برای قوم، عهد است.

۲۷. حال، بین اینکه فقط یک مسیحی باشی و یا یک مسیحی پر از روح القدس، تفاوت بسیاری وجود دارد. حالا ما می‌خواهیم این را از کتاب مقدس برگزیریم و دقیقاً در کتاب مقدس قرار دهیم. در ابتدا، یک مسیحی وجود دارد که مسیحی بودن خود را ابراز نموده است. ولی اگر هنوز روح القدس را دریافت نکرده است، او فقط در فرایند مسیحی بودن قرار دارد. او ایمان به آن را ابراز داشته است، برای آن کار می‌کند، اما خدا هنوز روح القدس را به او نداده است. او هنوز با خدا، به آن نقطه که تصدیق خداست، نرسیده است.

۲۸. زیرا که خدا پس از اینکه ابراهیم را فراخواند، با او عهد بست. این نمادی است از فراخوانی ایماندار در این زمان... او ابراهیم را فراخواند. ابراهیم از وطن خود خارج شد، به سمت سرزمین غریب رفت و در بین مردمی غریب ساکن شد. این نمادی بود از زمانی که خدا یک انسان را فرامی خواند، تا دست از شرارت بردارد و از گناهان خویش توبه کند. او را از بین جماعتی که در آن زیست می کرده، می گیرد، تا در بین اجتماعی جدید زندگی کند. در میان نوعی جدید از مردم.

سپس، بعد از اینکه او وفاداری ابراهیم به وعده‌ای را که خدا به او داده بود، دید؛ که او فرزندی خواهد داشت و از طریق این فرزند جهان برکت خواهد یافت. آن وقت خدا ایمان او را با دادن یک نشانه به او تأیید نمود. و آن نشانه، عهد ختنه بود. ختنه، نمادی است از روح القدس.

۲۹. درست در آیات بعدی این باب است که خواندیم. اگر می خواهید علامت بزنید... استیفان در آیه ۵۱ گفت: "ای گردنکشان که به دل و گوش نامختونید، شما پیوسته با روح القدس مقاومت می کنید، چنان که پدران شما، همچنین شما."

۳۰. ختنه نمادی است از روح القدس، و خدا نشان ختنه را بعد از اینکه او خدا را پذیرفت و به یک سرزمین بیگانه وارد شد، به ابراهیم داد. می بینید؟ این یک نشانه بود.

تمام فرزندان و ذریت بعد از او می بایست این نشان را در جسم خود می داشتند. زیرا که این یک تمایز و برای این بود که آنها را از تمام اقوام اطراف آنها جدا سازد. و این چیزی است که خدا امروز از آن استفاده می کند. این نشان دهنده‌ی ختنه‌ی قلب است. روح القدس، این است که کلیسای خدا را یک کلیسای جدا از تمام آیین‌ها، ایمان‌ها و فرقه‌ها می سازد. آنها در تمام انواع فرقه‌ها هستند ولی در عین حال، قومی جدا شده هستند.

۳۱. بگذارید دو دقیقه با یک نفر صحبت کنم. می‌توانم به شما بگویم که او روح القدس را یافته است یا خیر. شما هم می‌توانید. این آنها را جدا می‌سازد. یک علامت است، یک نشانه. روح القدس یک نشانه است. و این... در عهد عتیق هر فرزندی که ختنه را که یک پیش‌اخبار از روح القدس بود، نمی‌پذیرفت، از بین قوم منقطع می‌شد. اگر نمی‌خواست ختنه شود، نمی‌توانست مشارکتی با مابقی قوم داشته باشد. حال، این را برای امروز الگو کنید. فردی که تعمید روح القدس را رد کند، نمی‌تواند با آنانی که روح القدس را دارند، هیچ ارتباطی داشته باشد. نمی‌توانید اینکار را انجام دهید. باید یک ذات داشته باشید.

۳۲. مانند... مادرم همیشه می‌گفت: "کبوتر با کبوتر، باز با باز."^{۱۲} خوب، این یک ضرب‌المثل قدیمی است. ولی درست است. شما کبوتر و کلاغ را در یک ارتباط نمی‌بینید. خوراکی آنها با یکدیگر متفاوت است. عادات آنها متفاوت است. خواسته‌هایشان متفاوت است. این اتفاقی است که برای دنیا و یک مسیحی که به روح القدس مختون شده باشد، روی می‌دهد؛ که به معنای بریدن جسم می‌باشد.

۳۳. ختنه فقط در افراد مذکر انجام می‌شود. ولی زمانی که یک زن با یک مرد ازدواج می‌کند، جزیی از او می‌شود، پس با او مختون می‌شود. رساله‌ی تیموتائوس را به یاد دارید؟ جایی که می‌گوید: "اما زن به زاییدن رستگار خواهد شد، اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوا ثابت بمانند."^{۱۳}

۳۴. حال ختنه... زمانی که سارا در آن پشت، در چادر به پیغام آن فرشته خندید، هنگامی که او گفت: "ابراهیم! همسرت سارا کجاست؟" یک غریبه، بدون اینکه او را

^{۱۲} معادل لغوی آن در زبان انگلیسی: "پرنده‌گان همسان در یک دسته پرواز می‌کنند."
^{۱۳} اول تیموتائوس ۲ : ۱۵

بشناسد... از کجا می دانست که او یک همسر دارد؟

۳۵. و عیسی گفت: "چنان که در ایام لوط بود، در آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود..." یادتان باشد، آن نشانه‌ها در بین متعصین دینی، به سدوم و غموره سپرده نشد، بلکه به برگزیده، فراخوانده شده، سپرده شد. و ابراهیم دعوت شده بود. کلمه‌ی کلیسا یعنی «جدا شده، فراخوانده شده». مانند ابراهیم که خود را جدا نمود و مختون گشت. بعد زمانی که سارا به همان پیغام فرشته خندید، او می توانست همان جا سارا را بکشد. ولی او نمی توانست به سارا آسیبی وارد سازد، بدون اینکه به ابراهیم آسیب بزند. زیرا آنها یک بودند. سارا بخشی از او بود. "شما دیگر دو نیستید، بلکه یک."^{۱۴}

۳۶. پس ختنه، امروز روح القدس قلب را مختون می سازد و این یک نشانه است. یک نشانه‌ی داده شده. یک روز یک نفر می گفت... این را تکرار می کنم نه بعنوان یک جوک، چون حقیقت است، ولی مانند یک جوک به نظر می رسد. وقتی در غرب کشور بودیم، یک آلمانی آنجا بود که روح القدس را یافته و به خیابان‌ها رفته بود. چند قدم راه می رفت و بعد دست خود را بلند می کرد و به زبان‌ها صحبت می کرد. بعد می دوید، بالا و پایین می پرید و فریاد می زد. او در محل کار خود نیز همین گونه رفتار می کرد. ریسیش از او پرسید: "کجا بوده‌ای؟" من، من جاهایی که او بوده است را دوست دارم. پرسید: "باید آنجا بین آن دیوانه‌ها بوده باشی."

مرد گفت: "تو فکر می کنی آنها دیوانه هستند؟"

گفت: "بله. البته که هستند."

^{۱۴} اشاره به انجیل متی ۱۹: ۶ و انجیل مرقس ۱۰: ۸

۳۷. مرد گفت: "جلال بر خدای دیوانه‌ها!" و بعد گفت: "این دیوانه‌ها نقش زیادی دارند. مثل یک اتومبیل، اگر تمام این دیوانه‌ها را از آن خارج کنی دیگر چیزی به جز یک بدنه‌ی خالی نداری." و این درست است.

۳۸. زمانی که روح القدس بر شما می‌آید، بسیار متفاوت می‌شوید؛ تا جایی که ذهن این دنیا شما را دوست ندارد. آنها بر علیه شما هستند و اصلاً نمی‌خواهند سروکاری با شما داشته باشند. شما مولود یک دنیای دیگر هستید. شما چنان بیگانه هستید که حتی بیش از این خواهد بود. آنچنان که گویی به دورترین مناطق جنگل‌های آفریقا و بین آن مذاهب بدوی رفته باشید. زمانی که روح القدس بیاید، شما متفاوت هستید. و این یک نشانه است. این یک نشان در بین قوم است.

۳۹. حال شما می‌گویید: "برادر برانهام! آن نشان ختنه به ابراهیم و ذریت او داده شده بود." درست است. بله، درست است.

۴۰. اکنون می‌خواهم غلاطیان باب ۳ آیه‌ی ۲۹ را بازکنیم تا ببینیم که این به ما چه ارتباطی دارد. غلاطیان ۳ : ۲۹، تا ببینیم که عهد ختنه چگونه به امت‌ها ارتباط پیدا می‌کند. حال، اول... می‌خواهم آیه‌ی ۱۶ را بخوانم:

"اما وعده‌ها به ابراهیم و به نسل او گفته شد... (ابراهیم و نسل او...) " و نمی‌گوید «به نسلا...»" (هر نوع از... او! من هم از نسل‌های ابراهیم هستم. خیر. به یک نسل. نسل ابراهیم، نه نسل‌ها)... "که گویا درباره‌ی بسیاری باشد، بلکه درباره‌ی یکی و «به نسل تو»، که مسیح است."

۴۱. مسیح نسل ابراهیم بود. به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

بسیار خوب، اکنون آیه ی ۲۸ را با هم می خوانیم:

۲۸^{۱۱} هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه ی شما در مسیح عیسی یک می باشید. ^{۲۹} اما اگر شما از آن مسیح می باشید، هر آینه نسل ابراهیم و بر حسب وعده، وارث هستید."

چطور ما نسل ابراهیم می شویم؟ با بودن در مسیح. آن وقت است که ما نسل ابراهیم هستیم. و نسل ابراهیم چه بود؟ همان طور که در رومیان باب ۴ و جاهای مختلف می توانیم ببینیم... ابراهیم هرگز تا زمانی که مختون شد، وعده را نیافت. برای نشان دادن اینکه ختنه تنها یک نشانه بود، او وعده را قبل از مختون شدن یافت و این نمادی است از رسمیت یافتن ایمان او، که قبل از مختون شدن داشت.

۴۲. حال زمانی که در مسیح هستیم، نسل ابراهیم می شویم و با مسیح. وارثان هستیم. بنابراین مهم نیست چه کسی هستیم، یهودی یا امت ها... و نسل ابراهیم، نسل ابراهیم دارای ایمان ابراهیم است، که خدا در کلام او برگزید. صرف نظر از اینکه چقدر مسخره به نظر می رسد، چقدر غیر معمول رفتار می کنید و چقدر عجیب به نظر تان می رسد؛ صرف نظر از همه چیز، خدا را در کلام او برگزینید.

۴۳. ابراهیم در سن هفتاد و پنج سالگی و سارا در شصت و پنج سالگی، خدا را در کلامش برگزیدند و هر آنچه را که در ضدیت آن بود و آموخته بودند، رها کردند. فکر می کنید پزشکان در آن دوران چه فکر می کردند؟ فکر می کنید مردم آن زمان هنگامی که یک مرد هفتاد و پنج ساله را می دیدند که راه افتاده و خدا را ستایش می کند که قرار است از همسر شصت و پنج ساله اش، درست بیست سال پس از سن یائسگی، بچه دار شود، چه فکر می کردند؟ ولی می بینید؟ این باعث می شود که رفتاری مضحک داشته باشید. ایمان ابراهیم.

۴۴. و بعد هنگامی که به روح القدس مختون شده باشید، همین کار را با شما می‌کند. شما را وادار به انجام اعمالی می‌کند که تصورش را هم نداشتید. شما را وادار می‌کند که وعده‌ی خدا را بپذیرید و به خدا ایمان بیاورید.

۴۵. حال، علاوه بر اینکه این یک وعده یا یک نشانه است، یک مَهر هم هست. حال، با من به رومیان بیایید... ابتدا می‌خواهم که افسسیان ۴ : ۳۰ را باز کنیم و یک دقیقه آن را بخوانیم. افسسیان ۴ : ۳۰ این را می‌گوید...

حال، شنیده‌اید که مردم چیزهای متفاوت بشمارای را مَهر می‌دانند. اگر به کلیسا بروی، مَهر کلیسا را داری. بعضی افراد می‌گویند که روز معینی را حفظ می‌کنند، یک روز سبت. این، این مَهر خداست. برخی می‌گویند اگر عضویت‌مان را در یک فرقه‌ی مشخص حفظ کنیم، در ملکوت خدا مَهر شده‌ایم.

۴۶. حال، کتاب مقدس گفته است: "هر کلام انسان دروغ و هر کلام خدا راست باشد." حال، افسسیان ۴ : ۳۰ چنین می‌گوید:

"و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید."

۴۷. مجبورم که در این مورد اندکی سخت‌تر باشم. کتاب‌هایتان را زمین بگذارید... حال، برادران! چند لحظه آرامش را حفظ کنید. می‌بینید؟ هیچ توجه کرده‌اید که آن مَهر تا چه زمانی باقی است؟ نه تا بیداری بعدی، نه تا دفعه‌ی بعدی، بلکه «تا روز رستگاری»، این زمانی است که شما مختوم گشته‌اید. تا روز رستگاریتان. تا زمانی که بالا برده شده‌اید، تا با خدا باشید. این مدت زمانی است که روح القدس شما را مَهر می‌کند. نه از یک بیداری تا بیداری بعدی، بلکه از ابدیت تا ابدیت، به روح القدس

مختم گشته‌اید. این چیزی است که روح‌القدس هست. این مَهر خداست؛ که شما در نظر او فیض یافید. او شما را دوست دارد و مَهر خود را بر شما قرار می‌دهد. مَهر چیست؟ هرکس... یک «مَهر» به معنی «یک کار تمام شده» است. آمین! خدا شما را نجات داده، تقدیس نموده، تطهیر نموده، مرحمت نموده و شما را مَهر نموده است. کار او تمام شده است. تا روز رستگاریتان از آن او هستید. یک مَهر، نشانه‌ی پایان کار است. روح‌القدس چیست؟ یک نشانه است. در یک پیغام دیگر می‌خواهیم به آن پردازیم. نشانی که پولس از آن صحبت کرد. زبان‌ها نشانه‌ای برای ایمانداران یا بی‌ایمانان بود.

۴۸. حال، توجه کنید. ولی در این مورد، منظورم از روح‌القدس، یک نشانه و یک مَهر است. این نشانه‌ای است که خدا به فرزندان برگزیده‌ی خویش داده است. رد کردن آن یعنی منقطع شدن از بین قوم و دریافت آن یعنی پایان کار شما با دنیا و تمام کارهای دنیا و از آن خدا بودن، که خدا یک مَهر تأیید بر آن زده است.

۴۹. من با برادر هری واتربری^{۱۵} در راه‌آهن کار می‌کردم. ما مسئول بار زدن ماشین‌ها بودیم. برادرم داک^{۱۶} که اینجا ایستاده است، در این کار فعالیت می‌کند. زمانی که یک ماشین بار زده شده باشد، بازرسان به بازرسی آن می‌پردازند، اگر چیزی را که شل شده باشد یا امکان افتادن و شکستن داشته باشد، ببینند؛ تا زمانی که کاملاً بسته نشود و تکان‌های مسیر به آن آسیب نرسانند، آن ماشین را مَهر نمی‌کنند.

۵۰. جریان از این قرار است. ما خیلی مَهر نمی‌شویم. نسبت به امور خیلی شل هستیم. وقتی بازرس برای مَهر کردن زندگی شما می‌آید که ببیند نسبت به امور سست نباشید. اگر نسبت به دعای خود سست باشید، نسبت به خشم سست باشید، نسبت به آن

زنانی که در مورد دیگران صحبت می‌کنند، سست باشید؛ او هرگز ماشین را مُهر نخواهد نمود. چند عادت کثیف، چند چیز زنده، یک ذهن عوامانه، او نمی‌تواند ماشین را مُهر کند. ولی زمانی که ببیند همه چیز سر جای خودش است، آن وقت بازرسی آن را مُهر می‌کند. هیچ کس جرأت نمی‌کند که آن مُهر را تا قبل از رسیدن به مقصدی که برایش مُهر شده است، باز کند. اینهاش! "به مسح شدگان دست نزنید، انبیای مرا آزار مرسانید. زیرا به شما می‌گویم، برایتان بهتر بود که سنگ آسیابی بر گردنتان آویخته و در قعر دریا غرق می‌شدید، تا اینکه سعی کنید یکی از این صغار را که مُهر شده‌اند، لغزش دهید." ^{۱۷} می‌دانید این یعنی چه؟

۵۱. این چیزی است که روح القدس هست. تضمین شماست، حفاظت شماست، شاهد شماست، مُهر شماست، نشانه‌ی شماست که من در آسمان هستم. اهمیت نمی‌دهم که شیطان چه می‌گوید. من در مرز آسمان هستم. چرا؟ او مرا مُهر نموده است. این را به من داده است. او مرا در ملکوت خویش مُهر نموده است. بگذارید بادها بوزند، بگذار شیطان هرکاری که می‌خواهد، انجام دهد. خدا مرا تا روز رستگاریم مُهر نموده است. آمین! این چیزی است که روح القدس هست. اوه! باید این را بخواهید. من نمی‌توانم بدون آن بروم. چیزهای زیادی می‌توان گفت. ولی مطمئنم شما می‌دانید که از چه صحبت می‌کنم.

۵۲. حال بیابید یک دقیقه یوحنا ۱۴ را هم با هم بخوانیم. من کلام را دوست دارم، چون حقیقت و راستی است.

۵۳. حال، روح خدا، روح القدس، روح القدس چیست؟ این روح مسیح در

^{۱۷} اشاره به انجیل متی ۱۸ : ۶

شماست. حال، قبل از اینکه بخوانیم، می‌خواهم چند نکته را اینجا ذکر کنم. روح القدس چیست؟ یک مُهر است. روح القدس چیست؟ یک نشانه است. روح القدس چیست؟ روح عیسی مسیح در شماست. می‌بینید؟ "بعد از اندک زمانی..." او گفت: "۱۹ بعد از اندک زمانی جهان دیگر من را نمی‌بیند، اما شما مرا می‌بینید، چون تا انقضای عالم با شما و در شما خواهم بود." روح خدا در کلیسای خویش.

۵۴. برای چه؟ برای چه این کار را انجام داد؟ این مربوط به موضوع فرد اشب می‌شود. ولی برای چه این کار را کرد؟ چرا او، چرا روح القدس... چه، او برای چه آمد؟ او برای چه در شما آمد؟ او برای چه در من آمد؟ برای ادامه‌ی کارهای خدا.

۵۵. "آنچه را که باعث خوشنودی پدرم است، انجام می‌دهم. نیامده‌ام تا خواسته‌ی خود را انجام دهم، بلکه پدری که مرا فرستاد. و پدری که مرا فرستاد با من است و چنان که پدر مرا فرستاد، من نیز ما را می‌فرستم." ^{۱۸} اوه خدای من! پدر، او را فرستاد. به درون او رفت. پدری که عیسی را فرستاد، به درون او آمد. از طریق او کار کرد. عیسی که شما را می‌فرستد، با شما می‌آید و در شماست. اگر روحی که در عیسی مسیح زندگی می‌کرد او را واداشت تا به آن طریق عمل کند، پس می‌دانید زمانی که در شما باشد، چه خواهد کرد. زیرا آن حیات نمی‌تواند تغییر کند. از جسم به جسم منتقل می‌شود. ولی نمی‌تواند ذات خویش را تغییر دهد. چون این خداست.

۵۶. اکنون یوحنا باب ۱۴، چند لحظه آن را بخوانیم. از آیه‌ی ۱۰ شروع می‌کنیم:

"آیا باور نمی‌کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخن‌هایی که من به شما می‌گویم از خود نمی‌گویم، لکن پدری که در من ساکن است، او این اعمال را

^{۱۸} اشاره به انجیل یوحنا باب ۱۴ و ۲۰

می کند. " (فکرش را بکنید).^{۱۱} " مرا تصدیق کنید که من در پدر هستم و پدر در من است، والا مرا به سبب آن اعمال تصدیق کنید.^{۱۲} آمین آمین به شما می گویم، هر که به من ایمان آورد، کارهایی را که من می کنم، او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد. زیرا که من نزد پدر می روم. "

نمی بینید؟ ببینید او آنجا چه گفت؟ حال، ببینید که این چگونه پدیدار می شود. اندکی جلوتر را می خوانم. می خواهیم آیه ی ۲۰ را بخوانیم..

"^{۱۳} و هر چیزی را که به... " (ببینیم، من... او! بله...) " و هر چیزی که به اسم من سؤال کنید، بجا خواهم آورد. تا پدر در پسر جلال یابد. اگر چیزی به اسم من طلب کنید، من آن را بجا خواهم آورد.^{۱۴} اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. "

"^{۱۶} و من از پدر سؤال می کنم... " (حال، ببینید...) " و تسلی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند،^{۱۷} یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند، زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد و اما شما او را می شناسید، زیرا که با شما می ماند و در شما خواهد بود. "

۵۷. پس آن روح کیست؟ روح القدس چیست؟ این مسیح است در شما. تسلی دهنده، این روح القدس است. زمانی که تسلی دهنده بیاید، همان اعمالی را انجام خواهد داد که وقتی در من بود، انجام دادم. من سؤال می کنم و پدر این تسلی دهنده را به شما عطا خواهد کرد. شما تسلی دهنده را می شناسید؛ جهان او را نمی شناسد. (هرگز نخواهد شناخت.) اما شما او را می شناسید، زیرا اکنون با شماست، (عیسی سخن می گوید) اما در شما خواهد بود. پس اینهاش، این تسلی دهنده است.

"... در شما خواهد بود."

^{۱۸}" شما را یتیم نمی گذارم، نزد شما می آیم... " حال، تسلی دهنده این است، مسیح. این چیزی است که روح القدس هست. این مسیح است.

^{۱۹}" بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی بیند و اما شما مرا می بینید و از این جهت که من زنده ام، شما هم خواهید زیست."

۵۸. او! می توانیم همین طور ادامه دهیم و ادامه دهیم. ولی بگذارید... او چیست؟ او یک مَهر است. او یک نشانه است. او یک تسلی دهنده است. می بینید، تمام آنچه که هست. نسل ابراهیم وارث آن است.

۵۹. حال، بیاید ببینیم که تسلی دهنده‌ی دیگر چیست. برویم به اول یوحنا ۱۶ : ۷. می دانید که شفیع چیست؟ یعنی شفاعت کردن. ما یک شافی داریم. این را می دانیم. اول یوحنا باب ۱۶... او! یک لحظه صبر کنید، عذر می خواهم، یوحنا ۱۶ : ۷.

^۷" و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است، زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم. ^۸ و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. ^۹ اما بر گناه، زیرا که به من ایمان نمی آورند. ^{۱۰} و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می روم و دیگر مرا نخواهید دید. ^{۱۱} و اما بر داوری، از این رو که بر رئیس این جهان حکم شده است."

۶۰. خدای من، حال، شفیع در اول یوحنا ۲ : ۱۲ دیده می شود... حال، یک دقیقه آن را با هم بخوانیم. اول یوحنا ۲ : ۱۲. عذر می خواهم، اول یوحنا ۲ : ۱ - ۲ است:

"ای فرزندان من! این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اگر کسی گناهی کند، شفיעی داریم نزد پدر، یعنی عیسی مسیح عادل." (شفیع کیست؟ عیسی مسیح عادل.)

"و اوست کفاره به جهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط، بلکه به جهت تمام جهان نیز."

۶۱. روح القدس چیست؟ یک شفیع است. یک، یک شفاعت کننده چیست؟ چه کاری می‌کند؟ شفاعت؟ او مرحمت دارد. به جای شما می‌ایستد. کارهایی را می‌کند که شما قادر به انجام آن نیستید. این شفاعت گناهان شماست. عدالت شماست. شفای شماست. حیات شماست. قیامت شماست. تمام چیزی است که خدا برای شما دارد. او یک شفیع است.

۶۲. چطور می‌توانیم وارد جزئیات شویم و آن را توضیح دهیم، که او جهالت ما را شفاعت می‌کند. گاهی اوقات زمانی که، زمانی که ما روح القدس را یافته باشیم، در یک جاهایی می‌لنگیم. روح القدس آنجاست تا برای ما شفاعت کند. او شفیع ماست. او آنجاست. او وکیل مدافع ماست. او آنجا می‌ایستد و برای ما درخواست می‌کند. ما برای خود لابه نمی‌کنیم. چون روح القدس که در ماست، برای ما شفاعت می‌کند. گاهی اوقات روح القدس سخنانی را یا کلماتی به ما می‌دهد که ما متوجه آن نمی‌شویم و برای ما وساطت می‌کند. این چیزی است که روح القدس هست.

۶۳. وقتی به چیزی قدم می‌گذارم، مانند یک بچه گام برمی‌دارم. شما هم مانند یک بچه‌ی کوچک گام برمی‌دارید. ما در یک دنیای تاریک پر از دشمنان، پر از گناه، پر از دام و پر از هر چیز دیگری، گام برمی‌داریم.

شما می‌گویید: "اوه می‌ترسم زندگی مسیحی را برگزینم. می‌ترسم این کار را بکنم. از انجام آن وحشت دارم."

نرسید. ما یک شافی داریم. آمین! اوه! او در کنار ما می‌ایستد. او در ماست و برای ما شفاعت می‌کند. روح القدس، دائماً و در تمام مدت برای ما شفاعت می‌کند. او شفیع ماست. اوه! چقدر برای این شکرگزار خدا هستیم.

۶۴. یک مُهر، یک نشانه، روح حیات، خدای آسمان، تسلی دهنده، حیات، شافی. او چیست؟ اوه خدای من! می‌توانیم ساعت‌ها همین‌گونه ادامه دهیم.

۶۵. حال می‌خواهیم یک لحظه این را تغییر دهیم. حال، می‌خواهیم امشب درخواست کنیم...

به ما وعده داده که در ایام آخر... این شفیع، مُهر، وعده، هرآنچه که امشب در مورد آن صحبت کردیم، ده‌هزار بار بیشتر برای این ایام آخر به ما وعده داده شده است. آنها این را در آن زمان نداشتند. آنها تنها یک مُهر در بدن خود داشتند، ولی به آمدن آن ایمان داشتند. آنها در سایه‌ی شریعت حرکت کردند و در جسم ختنه شدند.

۶۶. ما امروز در سایه‌ی شریعت گام بر نمی‌داریم. ما به قوت قیام حرکت می‌کنیم. ما به قوت روح، که مُهر راستین ماست، حرکت می‌کنیم. شفیع راستین ما، تسلی دهنده‌ی راستین ما، نشان راستین ما، که ما از بالا مولود شدیم، قوم خاص و غریب، با برگرفتن خدا در کلامش عجیب رفتار می‌کنیم. آن را برمی‌گیریم و هر چیز دیگری را فراموش می‌کنیم. کلام خدا راستی است. این... اوه! خدای من! این چیزی است که روح القدس هست.

۶۷. آیا این را می‌خواهید؟ دوست ندارید که این را داشته باشید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] ببینیم وعده داده شده است یا نه.

برگردیم به اشعیا باب ۲۸. اشعیا را باز کنیم، می‌خواهیم اشعیا باب ۲۸ از آیه ۸ را بخوانیم. ببینید که اشعیا ۷۱۲ سال قبل از آمدن او چه گفته بود.

۶۸. می‌توانیم خیلی در این مورد صحبت کنیم، بازگردیم و دوباره در مورد آن حرف بزنیم. ولی فقط از همین جا شروع می‌کنیم تا ببینیم که این به کلیسا وعده داده شده است. در چه روزی می‌بایست می‌آمد؟ در ایام آخر، زمانی که انحراف واقع شده باشد. حال یادتان باشد، کلمه‌ی جمع به کار رفته شده است. ایام، دو روز، دوهزار سال آخر.

حال، حال آیه‌ی هشتم:

"^۸ زیرا که همه‌ی سفره‌ها از قبی و نجاست پرگردیده و جایی نمانده است."

۶۹. برای متوجه شدن این، امروز را بنگرید. اطرافتان را نگاه کنید تا ببینید که ما، در آن روز هستیم. تمام سفره‌ها... چرا که آنها به شام خداوند می‌روند، و اولین چیز در رابطه با الزامات آن، یک تکه نان معمولی یا یک بیسکوئیت را خرد می‌کنند و با آن شام خداوند را برگزار می‌کنند، درحالی که قرار بوده است به دستان روح القدس و نان فطیر مهیا گردد. مسیح آلوده و پلید نیست و آن، نمایانگر اوست.

۷۰. یک چیز دیگر، آنها این را به افرادی می‌دهند که مشروب می‌نوشند، دروغ می‌گویند، دزدی می‌کنند و دست به هرکاری می‌زنند. تا زمانی که عضو کلیسا باشند، در این سفره سهیم هستند. حاشا!

اگر کسی این را بدون تمیز دادن بدن خداوند برگیرد و بخورد، بر خویش فتوا می‌دهد. اگر او با آن حیات زیست نمی‌کند، از او فاصله بگیرید. اگر این کار را نکنید، نشان می‌دهد که ضمیر خود شما گناهکار است. "هرآن کس که نخورد، با من سهمی ندارد." عیسی این را گفت.

۷۱. ولی تمام سفره‌های خداوند از نجاسات پر شده است. هیچ جای پاکی وجود ندارد. گوش کنید.

"کدام را معرفت خواهد آموخت و اخبار را به که خواهد فهماند؟..."

چه کسی معرفت را خواهد فهمید؟

"خوب، من پرزیتتری هستم. من متدیست هستم. من پنطیکاستی هستم. من ناصری هستم. من زائر مقدس هستم." این برای خدا هیچ معنا و مفهومی ندارد. یک سفره دیگر.

۷۲. چه معرفتی (تعلیمی)؟ متدیست، بابتیست، پرزیتتری، پنطیکاستی؟ معرفت (تعلیم) کتاب مقدس.

...معرفت را به که خواهد آموخت؟

۷۳. وقتی آن را یافتید، چطور متوجه می‌شوید؟ خوب، جمعه شب به این موضوع می‌پردازیم. می‌بینید؟

...چه کسی را معرفت خواهد آموخت؟ (حالا ببینید). "...آیا نه آنانی را که از شیر باز داشته و از پستان‌ها گرفته شده‌اند؟"

۷۴. بچه‌های کوچک می‌گویند: "خوب، من به کلیسا می‌روم. مامان من عضو این کلیسا بود." برادر عزیز! من هیچ مخالفتی با این ندارم. عضویت در کلیسای مادر. ولی گوش کن. مادرت در یک نور گام برمی‌داشت، ولی تو در یک نور دیگر گام برمی‌داری.

۷۵. لوتر^{۱۹} در یک نور گام برمی‌داشت، وِسلِی^{۲۰} در یک چیز دیگر. وِسلِی در یک نور گام برمی‌داشت، پنطیکاست در یک چیز دیگر. ولی ما امروز بلندتر از آن گام برمی‌داریم. و اگر نسلی دیگر باشد، از ما فراتر خواهد رفت.

۷۶. در ایام اولیه، زمانی که همه چیز پَرت بود، خیلی پَرت، لوتر عادل شمردگی به ایمان را تعلیم می‌داد. آن فقط برای آوردن قوم از کاتولیکسیم به پروتستانسیم بود. به داشتن یک رابطه حول کلام. عدالت به ایمان. این یک مرتبه‌ی بسیار وسیع بود. آنها هرگز از آن جابجا نشدند.

۷۷. در امتداد آن یک بیداری دیگر آمد، به نام جان وِسلِی. او آنها را از آنجا به حرکت واداشت و به سمت تقدس آورد. حیاتی خوب، پاک و مقدس. به کلام خدا تقدیس شده و شادی به قلب شما داده شده. آن، بسیاری از تعالیم لوتری را کنار گذاشت.

۷۸. سپس در امتداد آن، پنطیکاست با تعلیم روح القدس آمد و آن را با دریافت روح القدس، تنگ‌تر نمود و اکنون شروع به ریزش کرده است. درست است. عطایا، احیاء و روح خدا در پری آیات و معجزات به کلیسا وارد شده و پنطیکاست را متزلزل ساخته است. این چیست؟ ما به آمدن خداوند عیسی، بسیار نزدیک شده‌ایم. تا جایی که همان روحی که در او بود، در کلیسا کار می‌کند و همان اعمالی را بجا می‌آورد که

وقتی او روی زمین بود، انجام می‌داد. از زمان رسولان تا امروز، هرگز و در هیچ زمان دیگری نبوده است. چرا؟ می‌دانید؟ پهناور، باریک، باریک و باریک‌تر شده است. این چیست؟ درست مانند دست شما در سایه، بازتاب، بازتاب، بازتاب. این چیست؟ یک انعکاس است. لوتر چه بود؟ بازتابی از مسیح. و سلی چه بود؟ بازتابی از مسیح.

۷۹. نگاه کنید. دوران بیلی ساندی^{۲۱} به اتمام رسیده است. آن روز دکتر ویتنی^{۲۲} پیر، او درست پشت همین منبر تعلیم می‌داد. آخرین نفر از آن بازمانده‌ها در سن نودسالگی درگذشت. بیلی ساندی در دوران خودش یک احیاگر برای کلیساهای اسمی بود. او هیچ خجالتی نداشت، آنجا می‌ایستاد و فریاد می‌زد: "شما متدسیت‌ها! به خاک و خاکستر بیفتید. واعظین و همه‌ی شما! تمام شما باپتیست‌ها! به خاک و خاکستر بیفتید. شما پرزبیتری‌ها... " او اصلاً خجل نبود. او بیلی گراهام این زمان بود.

۸۰. توجه کنید، درست در همان زمانی که کلیسای اسمی در حال تجربه‌ی بیداری بود، چه چیزی رخ داد؟ انجیل تام درحال تجربه‌ی بیداری بود، که برادران باسورث،^{۲۳} اسمیت و یگلزورت،^{۲۴} دکتر پرایس،^{۲۵} ایمی مک فرسن^{۲۶} و تمام آنها از آن پدیدار شدند.

نگاه کنید. یک شب اسمیت و یگلزورت فوت کرد. صبح روز بعد دکتر پرایس فوت کرد. ظرف بیست و چهار ساعت من در میدان بودم.

۸۱. ببینید، پایان من هم نزدیک است. نگاه کنید. شما از بیلی گراهام، خیلی

Billy Sunday ^{۲۱}

Dr. Whitney ^{۲۲}

Basworth ^{۲۳}

Smith Wigglesworth ^{۲۴}

Price ^{۲۵}

Aimee Mc Pherson ^{۲۶}

نمی‌شنوید. از اورال رابرتز، خیلی نمی‌شنوید. می‌بینیم که جلسات من بر آنها سایه افکنده است. جریان چیست؟ ما در پایان هستیم، یک دوره‌ی دیگر.

۸۲. بیلی ساندی و سایرین چگونه آمدند؟ درست بعد از بیداری مودی^{۲۷} آمدند. مودی چه زمانی آمد؟ درست بعد از بیداری ناکس.^{۲۸} ناکس در چه زمانی آمد؟ درست بعد از بیداری فینی^{۲۹} و فینی بعد از کالوین،^{۳۰} کالوین پس از وسلی و وسلی بعد از لوتر، آنها در تمام طول این دوران آمدند. به محض اینکه یک بیداری به اتمام می‌رسد، خدا یکی دیگر را بلند می‌کند و نور بیشتری را می‌تاباند. به همین صورت به حرکت ادامه می‌دهد.

۸۳. حال، ما در پایان این زمان هستیم. هرکس سعی کرده تا به دنبال نقطه‌ی اتصال خود برای آمدن مسیح باشد. اما کارهای زیادی بوده که باید منتظر آن می‌بودند. بازگشت یهودیان، بشقاب پرنده‌ها و چیزهای زیادی که ما امروز می‌بینیم. ولی ما در انتها هستیم. اکنون ما اینجا هستیم. آنها می‌دانستند که کلیسا باید قوتی را دریافت کند که همان اعمال مسیح را در کلیسا به انجام برساند. چون همان‌طور که سایه ژرف‌تر و ژرف‌تر می‌شود، انعکاس بیشتری دارد.

۸۴. یک سایه را در نظر بگیرید. آن طرف، جلوتر از سایه، کمترین انعکاس را از سایه دارد. بعد سایه به درخت نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شود، تا جایی که درخت و سایه به هم می‌رسند.

۸۵. حال، روح خدا تحت عادل شمردگی لوتر، تقدس جان وسلی و تعمید روح القدس با بنطیکاست عمل کرده است. و اینک در ایام آخر، همان اعمالی را به انجام

Moody^{۲۷}
Knox^{۲۸}
Finney^{۲۹}
Calvin^{۳۰}

می‌رساند که وقتی اینجا و در مسیح بود، انجام می‌داد. این چیست؟ کلیسا با مسیح یک شده است و به محض اینکه آنها به هم وصل شوند، یعنی آخرین پیوند برقرار شود، به آسمان خواهند رفت. جان وسلپی، لوتر، تمام آنها که قبلاً بوده‌اند در آنجا خواهند بود. اولین، آخرین شد و آخرین، اولین خواهد بود و قیامت مقدسین برپا خواهد شد.^{۳۱}

۸۶. ما در زمان آخر هستیم. گوش کنید. این کاری است که روح القدس انجام می‌دهد. می‌بینید؟ روح القدس با عادل شمردگی، فقط سایه‌ای از نور. روح القدس با تقدس، سایه اندکی عمیق‌تر است. روح القدس با تعمید آن، سایه‌ای عمیق‌تر. اکنون روح القدس با احیای همان شخصیت وجودیش در اینجا، آیات و معجزات را انجام می‌دهد. به همان صورت که در ابتدا انجام می‌داد. جلال بر خدا! در هر حال می‌خواهید به من بگویید، دین خروش. شاید همین الآن هم به گفتن آن شروع کرده باشید.

۸۷. برادران! گوش کنید. این را گوش کنید.

"... همه‌ی سفره‌ها از قبی و نجاست پرگردیده و جایی نمانده است.^۹ کدام را معرفت خواهد آموخت و اخبار را به که خواهد فهمانید؟ آیا نه آنانی را که از شیر بازداشته شده و از پستان‌ها گرفته شده‌اند؟"

نه اینکه بچه‌های کوچک، بچه‌های پرزیتتری، متدیست‌ها، پنطیکاستی‌ها، لوتری‌ها، ناصری‌ها، او کسی را می‌خواهد که مایل باشد از پستان‌ها گرفته شده و یک گوشت قوی بخورد.

"^{۱۱} زیرا که حکم بر حکم... قانون بر قانون و قانون بر قانون، اینجا اندکی و آنجا اندکی خواهد بود.^{۱۱} زیرا که با لب‌های الکن و زبان غریب با این قوم تکلم خواهد

^{۳۱} اشاره به انجیل متی ۱۹ : ۳۰ و ۲۰ : ۱۶

نمود. ^{۱۲} که به ایشان گفت: «راحت همین است. پس خسته شدگان را مستریح سازید و آرامی همین است.» اما نخواستند که بشنوند.

۸۸. روح القدس، اگر این دقیقاً همان طریقی نیست که در روز پنطیکاست آمد، هفتصد و دوازده سال قبل از آمدنش نبوت شده بود و اکنون در روز پنطیکاست دقیقاً به همان شکل آمد.

۸۹. بعضی‌ها در مورد نگه داشتن روز سبت صحبت می‌کنند. من این را رد نمی‌کنم. ولی گفته شده است: "روز سبت، سبت خدا، روز آرامی بود."

این روز آرامی است. [برادر برانهام کتاب مقدسش را برمی‌دارد.] راحتی همین است. او گفت: "خسته شدگان را مستریح سازید." همین است. آمین! حکم بر حکم و قانون بر قانون خواهد بود. این آرامی است. روح القدس چیست؟ آرامی، راحتی. او!

"بیاید نزد من ای تمامی زحمت‌کشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید." ^{۳۲}

۹۰. او چیست؟ کسی که وارد شما می‌شود، به شما آرامی می‌بخشد، نشانه‌ی شما، تسلی‌دهنده‌ی شما، تسلی‌یافته، در آرامی مَهر شده.

۹۱. چطور... هستید؟ این یک نشان است، دنیا می‌داند که چیزی برای شما رخ داده است. این چیست؟ یک تسلی‌بخش. چیست؟ یک مَهر. شما در آرامی هستید. شما... این شفیع شما است. اگر شما... اگر برای شما اتفاقی بیفتد، آنجا چیزی هست که بلافاصله برای شما شفاعت می‌کند. می‌بینید؟ شفاعت می‌کند. این روح خداست که در کلیسا است

و دقیقاً نبوت نموده که وقتی می آید چه خواهد بود. این یک آرامی ابدی خواهد بود.

۹۲. خدا جهان را ساخت. عبرانیان، باب چهارم. "خدا جهان را در شش روز ساخت و در روز هفتم آرامی یافت."

روز هشتم برمی گردد به... او آن را برای مدت زمان مشخصی به یهودیان داد. درست است. اما آنها یک روز استراحت می کنند، اولین روز هفته را به کار عادی بازمی گردند و از نو شروع می کنند... این آرامی ای نیست که خدا از آن صحبت کرده است.

زمانی که خدا جهان را در شش روز آفرید، وقتی که آرامی گرفت، از آن به بعد آرامی یافت. درست است. این تعیین کننده است. او در روز هشتم بازنگشت تا همه چیز را از اول شروع کند.

۹۳. این تنها یک سایه است. حال این نمادی بود مانند ماه و خورشید. ولی وقتی خورشید طلوع می کند، دیگر نیازی به ماه نیست. حال به این توجه کنید. اوه! در مکاشفه باب ۱۱، زنی که خورشید را در بر دارد و ماه را زیر پای خود. اوه! می توانیم در تمام کتاب مقدس قدم به قدم پیش برویم و این را نشان بدهیم. می بینید؟

۹۴. ولی این چیست؟ زمانی که کتاب مقدس در عبرانیان باب ۴، می گوید که عیسی یک روز آرامی را به آنها داده است. سپس، از آن صحبت می کند. او از یک آرامی سخن گفته است. او چه روزی از یک آرامی صحبت کرده است؟

"بیاید نزد من ای تمام زحمت کشان و گران باران، و من شما را آرامی خواهم بخشید."

۹۵. متی باب ۱۱ آیه ۲۲... ببینید، زمانی که ما به نزد او می‌آییم، «زیرا هرکه» عبرانیان باب ۴ می‌گوید: «زیرا هرکه داخل آرامی او شد، او نیز از اعمال خود بیارامد، چنان که خدا از اعمال خویش.» چه مدت؟ چه مدت به روح القدس مُهر شده‌اید؟ تا روز رستگارتان. این است آن آرامی، تسلی، شفاعت، مُهر، منجی. اوه! احساس هیجان می‌کنم. احساس برکت می‌کنم.

۹۶. «برادر برانهام! آیا این به ما وعده داده شده است؟ آیا این در کتاب مقدس اثبات شده است؟»

بسیار خوب، برویم به کتاب یوئیل تا بنیم یوئیل در این مورد چه گفته است.

چقدر بخاطر کلام مبارک خداوند شکرگزار هستیم؟ آیا این را دوست دارید؟ [جماعت می‌گویند: «آمین!»] به این فکر می‌کنم که اگر بخاطر کلام نبود، اکنون ما کجا قرار داشتیم. بسیار خوب.

الآن در یوئیل هستیم. می‌رویم به کتاب یوئیل، باب دوم یوئیل و می‌خواهیم از آیه ۲۸ شروع کنیم. یوئیل ۲: ۲۸، هشتصد سال قبل از آمدن مسیح، نبی در روح. حال گوش کنید:

«^{۲۸} و بعد از آن روح خود را بر همه‌ی بشر خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند نمود و پیران شما و جوانان شما رویاها خواهند دید. ^{۲۹} و در آن ایام، روح خود را بر غلامان و کنیزان نیز خواهم ریخت. ^{۳۰} و آیات را از خون و آتش و ستون‌های دود در آسمان و زمین ظاهر خواهم ساخت. ^{۳۱} آفتاب به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهند شد، پیش از ظهور یوم عظیم و مهیب خداوند. ^{۳۲} و واقع خواهد شد هر که نام خداوند را بخواند، نجات یابد...»

۹۷. آه! چه؟ یوئیل... به اعمال رسولان باب ۲ توجه کردید؟ پطرس همین آیات را برگرفت و گفت: "ای مردان یهود و جمیع سکنه‌ی اورشلیم، این را بدانید و سخنان مرا فراگیرید، زیرا که اینها مست نیستند. این افراد مُهر شده، تسلی یافته، عجیب و غریب... آنها مست نیستند، چنان که شما گمان می‌برید. (اعمال رسولان باب ۲) زیرا که ساعت سوم از روز است. بلکه این همان است که یوئیل نبی گفته است، که خدا می‌گوید: «در ایام آخر چنین خواهد بود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت...»"

۹۸. این یعنی چه؟ روح القدس چیست؟ بسیار خوب، دوباره توجه کنید. وعده به ایمانداران، این چیزی است که هست. حال، متوجه می‌شویم که روح القدس چیست. یک دقیقه صبر کنید. این به که وعده داده شده است؟ به ایمانداران.

حال برویم به لوقا. باب ۲۴ لوقا. ببینید عیسی در آخرین سخنان خود قبل از ترک زمین چه گفت. لوقا باب ۲۴. شما که آن را پیگیری می‌کنید، می‌توانید آن را علامت بنزید و فردا شب در یک زمان مناسب، آن را مطالعه کنید. حال لوقا ۲۴ : ۴۹، به سخنان عیسی گوش کنید. در پایان و در زمان صعود به آسمان، به سمت جلال، این سخنانی است که به شاگردان گفت:

"^{۴۹} و اینک من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم..."

چه موعودی؟ مُهر، نشانه، تسلی دهنده، تمام چیزهایی که در مورد آن صحبت کرده‌ام، بیش از هزاران بار...

"موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم..."

چه موعودی؟ همان که اشعیا گفت باید بیاید... زیرا که با لب‌های الکن و زبان

غریب با این قوم تکلم خواهم نمود، که راحت همین است. آن آرامی را بر شما می فرستم. آنچه را که یوئیل گفت واقع خواهد شد، بر شما می فرستم. که خدا می گوید در ایام آخر روح خود را بر شما می ریزم. اوه! آن را بر شما می فرستم و تمام امت‌ها و قوم‌ها مرا در اورشلیم... زیرا عهد به ذریت ابراهیم را به یاد می آورم و هر یک از آنها را مَهر می کنم. می بینید؟ از روح خود خواهم ریخت...

"... موعود پدر خود را بر شما می فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید." منتظر شوید.

"تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید."

۹۹. پس روح القدس چیست؟ قوتی از اعلی، نه قوتی از اسقف، نه قوتی از کلیسا، بلکه «قوتی از اعلی».

۱۰۰. آن قوت چگونه آمد؟ با پیوستن به کلیسا؟ شما را به چالش می کشم که بگویید آیا این درست است؟ با دست دادن با یک واعظ؟ خیر آقا! با شما کاتولیک‌ها هستم، با بیرون آوردن زبانتان و گرفتن اولین عشاء؟ نه آقا!

۱۰۱. این قوت چگونه آمد؟ آن قوت از اعلی؟ یک مقدار جلوتر را بخوانیم. برویم به اعمال رسولان ۱: ۸ آنها اکنون با هم جمع می شوند. حال، آنها زمانی که با هم جمع می شدند، با هم از عیسی صحبت می کردند و یک نفر را بجای یهودا تعیین نمودند. اعمال رسولان ۱: ۸

"^۸لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوت خواهید یافت..."

چه؟ عضو خیمه‌ی برانهام شده‌اید؟ نه، عضو کلیسای متدیست شده‌اید؟ کلیسای

کاتولیک؟ پزیریتی؟ در کتاب مقدس چنین نیست. این یک تعلیم انسانی است.

"لیکن بعد از اینکه واعظ شدی، قوت خواهی یافت؟" خیر قربان. "لیکن بعد از اینکه فوق‌لیسانس خود را دریافت کردی، قوت خواهی یافت؟" خیر قربان. "آیا بعد از اینکه در آب تعمید یافتی، قوت خواهی یافت؟" خیر قربان. "آیا بعد از اینکه اولین بار در شام خداوند شرکت کردی، قوت خواهی یافت؟" می‌بینید؟ اینها همه چیزهای ساخته شده توسط انسان هستند.

۱۰۲. گوش کنید که کتاب مقدس چه گفته است، عیسی چه گفته است:

"^۸ لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت... "روح القدس چیست؟ سپس بعد از این... "و شاهدان من خواهید بود. "فقط شما دوازده نفر، شما در اورشلیم شهادت می‌دهید... "در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان... " که هنوز بده آنجا نرسیده‌ایم.

"^۹ و چون این را گفت وقتی که ایشان همی نگریستند، به بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود."

۱۰۳. حال، حال صفحه‌ی بعدی را ببینیم. ببینیم که این نبوت‌ها تحقق یافتند.

"^۱ چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یک جا بودند... " ^{۳۳}

که ناگاه شبان وارد شد و...؟ کمی از موضوع خارج شدم، نه؟ ناگاه کاهن به مذبح آمد...؟ نه.

"که ناگاه آوازی..."

نه فقط یک نمایش ایمان بلکه «آوازی...».

آیا یک خادم داشت در می‌زد؟ آیا کشیش داشت برای مراسم عشاء ربانی از جایگاه مقدس بیرون می‌آمد؟ نه هیچ چیزی مانند اینها نبود.

"ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد... " نه صدای خش خش پا " و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند، پر ساخت."

۱۰۴. روح القدس چیست؟ اینجا جایی است که آنها قوت یافتند. اینجا جایی است که آنها باید می‌ماندند. این چیزی است که وقتی این کار را کردند، رخ داد. تمام آن از پیدایش تا به آخر، از ابراهیم تا زمانی که باید می‌آمد، چگونه باید می‌آمد و چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟ نبوت شده بود. این چیست؟ وعده‌ای که به کلیسا داده شده است. به ایمانداران.

"... و تمام آن خانه را که در آنجا نشسته بودند، پر ساخت. ۳ و زبانه‌های منقسم شده مثل زبانه‌های آتش بدیشان ظاهر گشته و بر هر یکی از ایشان قرار گرفت. ۴ و همه از روح القدس پرگشته، به زبان‌های مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، سخن گفتن شروع کردند."

حال، جمعه شب می‌خواهیم به آن پردازیم. همین جا آن را متوقف می‌کنیم. می‌بینید؟

۱۰۵. این چگونه است؟ این به کلیسا وعده داده شده است، یک وعده مطلق. بسیار خوب.

۱۰۶. حال، حال می‌خواهیم بدانیم بعد از مَهر شدن، تا چه مدت مَهر شدند؟

[جماعت می‌گویند: "تا روز رستگاری."]

چند نفر اینجا روح القدس را یافته‌اند؟ دست خود را بلند کنید. کسانی که روح القدس را یافته‌اند، تعدادشان بیشتر از بقیه است. برادر! خواهر! می‌خواهیم شما هم یکی از ما باشید. تا متوجه بشوید که این چیست. این، این روح خداست که در شما ساکن شده و اعمال خدا را انجام می‌دهد.

همیشه خدا زمانی روح خود را بر هر یک از خادمین، هر یک از انبیاء، هر یک از معلمین و هر یک از رسولان فرستاده است که آنها از جانب جهان طرد شده‌اند. آنها در هر دوره‌ای که بودند، دیوانه انگاشته می‌شدند. حتی زمانی که پولس در برابر اغریاس ایستاده بود، گفت: "به طریقی که بدعت می‌گویند..."^{۳۴} بدعت چیست؟ «جنون». به طریقی که آن را جنون می‌خوانند. یک مشتم دیوانه. خدای پدران را عبادت می‌کنم. از اینکه بتوانم بگویم یکی از آنها هستم، بسیار خوشحالم. بله آقا! درست است. خوشحال می‌شوم اگر بتوانم بگویم، یکی از آنها هستم.

۱۰۷. حال، پس از اینکه این روح القدس بر ایشان قرار گرفت، آنها را یک دل ساخت، تا جایی که همه چیز در اشتراک بود. درست است؟ خدای من! خدای من! چه رابطه و مشارکتی. گاهی اوقات آن سرود را می‌خوانیم: «اوه، چه رابطه‌ای! اوه، چه شادی آسمانی!...» همین است. آنها توجه نمی‌کردند، آنها اهمیت نمی‌دادند که خورشید بتابد یا نتابد. آنها خواستار سهولت نبودند.

برخی افراد به من می‌گویند: "حال، من روح القدس را خواهم یافت." می‌گویند: "آقای برانهام! اگر تضمین کنی که من میلیونر می‌شوم. اگر تضمین کنی من چاه نفت خواهم یافت. اگر تضمین کنی معدن طلا پیدا می‌کنم. و من، من... می‌بینید؟ مردم این

^{۳۴} اشاره به اعمال رسولان ۲۴ : ۱۴

را تعلیم می‌دهند و این یک تعلیم کذب است. خدا وعده‌ی آن چیزها را نداده است.

۱۰۸. انسانی که روح‌القدس را یافته باشد، اهمیت نمی‌دهد که برای یک نان التماس کند یا نه. برای او فرقی نمی‌کند. او یک مخلوق آسمانی است. او، او اصلاً هیچ وابستگی به اینجا ندارد. درست است. او اهمیت نمی‌دهد، بیاید، برود، چه می‌شود. بگذارید انتقاد کنند، مسخره کنند، موقعیت اجتماعی خود را از دست بدهید، چه اهمیتی می‌دهید؟ شما در جلال هستید. هلولیاه! چشمان شما به عیسی دوخته شده است و در راه خود هستید. اهمیتی نمی‌دهید که جهان چه می‌گوید.

این چیزی است که روح‌القدس است. این یک قوت است. یک مهر است. یک تسلی دهنده است. یک شفیع است، یک نشانه است. او، خدای من! این تضمینی است که خدا شما را پذیرفته است.

چقدر وقت گرفته‌ام؟ تنها هشت دقیقه‌ی دیگر زمان دارم. بگذارید... چند بخش از کلام را اینجا دارم. فکر نمی‌کنم بتوانم به آنها برسم. ولی تمام تلاش خود را می‌کنم.

۱۰۹. حال، وقتی کسی از روح‌القدس پر شده باشد، این احتمال وجود دارد که جفاها و چیزهای دیگر، بخواهد او را وادار به بازگشت نماید. اما او مغلوب نخواهد شد. او هنوز فرزند خداست. همیشه خواهد بود. چون تا چه زمانی مهر شده‌اید؟ [جماعت پاسخ می‌دهند: "تا روز رستگاری."] درست است. این چیزی است که کتاب مقدس گفته است.

۱۱۰. حال، بعد از اینکه شاگردان مصلوب شدند، استهزا شدند، تمسخرشان کردند و همه‌ی این کارها، آنها فکر کردند زمان این است که مدتی با هم جمع شوند. برویم به اعمال رسولان باب ۴ تا ببینیم چه اتفاقی افتاد. حال، این خطاب به شما کسانی است که

اکنون آن را یافته‌اید. اعمال رسولان باب چهارم.

حال، پطرس و یوحنا مضروب و محبوس گشتند، بخاطر اینکه آنها، آنها در دروازه‌های کلیسا یک جلسه‌ی شفا داشتند. چند نفر این را می‌دانند؟ آنجا یک مرد خوابیده بود که به نوعی پاهایش لنگ بود و قادر به راه رفتن نبود. چهل سال بود که به همان حالت بود. زمانی که پطرس از آنجا عبور می‌کرد، او فنجان خود را بلند کرد تا چیزی درون آن بیندازند.

پطرس نشان داد که واعظی پر از روح‌القدس است. او هیچ پولی نداشت. او گفت، او گفت: "مرا طلا و نقره نیست." می‌بینید؟ او به این اهمیتی نمی‌داد. بلکه او خلقتی، خلقتی آسمانی بود. او! چقدر دوست داشتم که وقت بیشتری برای پرداختن به آن داشتیم. می‌دانید؟ او در مرز آسمان بود. او تسلی یافته بود. او روح را داشت. قوت را داشت. جلو رفت و گفت: "مرا طلا و نقره نیست. اما آنچه دارم، به تو می‌دهم."

بدون شک مرد گفته است: "چه دارید آقا؟"

"ایمان دارم، در قلبم چیزی دارم که از ده روز قبل آغاز شده است. من در آن بالاخانه بودم که ناگاه تمام وعده‌هایی که خدا داده بود... من سه سال و نیم با عیسی مسیح راه رفته‌ام. با او بوده‌ام. ماهی‌ها را صید کرده‌ام. من تمام این کارهای مختلف را انجام داده‌ام. من دیده‌ام که او بیماران را شفا داده است. همیشه با خود می‌گفتم، یعنی او به من می‌گفت: «پدر در من است! اما وقتی که بروم او در شما خواهد آمد.» و من نمی‌توانستم آن را درک کنم. اما او می‌گفت: "انتظار ندارم این چیزها را درک کنی."

تو این چیزها را درک نمی‌کنی. فقط آنها را به دست می‌آوری. هنوز هم آن را درک

نمی‌کنم و نگو که تو هم درک می‌کنی، چون نمی‌کنی. می‌بینید؟ نمی‌توانم این را درک کنم، نمی‌توانم توضیحش بدهم، ولی تنها چیزی که می‌دانم این است که آن را یافته‌ام.

خوب، خوب، شما می‌گویید: "این علمی نیست." او! مطمئناً هست.

۱۱۱. به آن نورها نگاه کنید. زمانی که بنجامین فرانکلین^{۳۵} آن را به دست آورد. او گفت: "آن را یافتم." او نمی‌دانست که چه دارد. ولی آن را داشت. امشب می‌خواهم یک نفر برای من بگوید الکتریسته چیست. آنها همچنان نمی‌دانند که چیست، ولی ما آن را داریم. آمین! درست است. هیچ کس نیست که بداند الکتریسته چیست. می‌توانند آن را کنترل کنند. روشنش کنند. به کار گیرند. ولی این توسط ژنراتورها تولید می‌شود. دو قطعه به آن صورت با هم کار می‌کنند و آن تولید می‌شود. این تمام چیزی است که آنها می‌دانند. نور می‌دهد و در خود قدرت دارد.

۱۱۲. و این مثل روح خداست. وقتی آن را می‌باید... یک قطعه شما هستید و یک قطعه هم خدا. وقتی به آن صورت با هم کار کنند، برای شما کاری انجام می‌دهد. درست است. این نور می‌دهد. قوت می‌دهد. شما نمی‌دانید که این چیست؛ ولی وقتی آن را بباید، می‌دانید. این یک چیز قطعی و برای شماست. از آن شماست. این تضمین است. درست است.

آن نور چه چیزی را نشان می‌دهد؟ تضمینی است. نور است.

۱۱۳. حال به این توجه کنید. اکنون نمی‌دانید که این چیست. ولی این دوستان

^{۳۵} Benjamin Franklin یکی از پدران بنیانگذار ایالات متحده است. نویسنده، سیاستمدار، نویسنده و... به عنوان یک دانشمند، او یکی از چهره‌های مطرح در روشنگری آمریکا بود و در تاریخ فیزیک برای کشف‌ها و نظریه‌هایش در مورد برق شناخته شده است.

گفتند: "خوب"، آنها، آنها گفتند که یک چیزی را می‌دانند. "می‌دانیم که آنها نادان هستند." یک مشت دیوانه. می‌بینید؟ "آنها نادان و اُمی هستند. ولی با آن ماهیگیر بوده‌اند و آن نجار که نامش عیسی بود. به شما می‌گویم. چون همان کارهایی را می‌کنند، که او می‌کند."

۱۱۴. این چیزی است که روح‌القدس است. عیسی که در یک ماهیگیر نادان زندگی می‌کند، در یک نجار یا هر چیز دیگری، واعظ نادان و یا هر چه که هست. این مردی است که می‌خواهد نسبت به اعمال دنیا نادان باشد و بگذارد تا عیسی به درون او بیاید؛ روح خدا، مَهر، شفیع. او به موقعیت اجتماعی اهمیتی نمی‌دهد. تمام چیزی او که می‌خواهد خداست.

۱۱۵. در عهد عتیق، وقتی خدا داشت همه چیز را معین می‌نمود، گفت: "شما لایوان! شما را خواندم و کاهن قرار دادم و تمام برادران شما، دوازده سبط دیگر، نه، یازده سبط دیگر به شما ده-یک پرداخت خواهند کرد."

"وقتی نه کیل سبب داری، یکی را برای لایوان بگذار. وقتی گوسفندان را از دالان عبور می‌دهی، دهمین گوسفند را بگیر. اهمیتی نمی‌دهم که کوچک باشد یا بزرگ، چاق یا لاغر، آن به لایوان تعلق دارد."

"حال، لایوان! وقتی آن را گرفتید، سپس ده-یک آن را به خدا بدهید. شما هدایای جنابندنی، هدایای آردی و دیگر هدایا را می‌گذرانید. به خداوند ده-یک بدهید."

۱۱۶. گفت: "موسی! برای سهم تو، سهم تو، من هستم." اوه خدای من! او گفت: "سهم تو، من هستم."

و این چیزی است که امروز روح القدس برای کلیسا است. "مرا طلا و نقره نیست. ولی آنچه نیاز تو است، دارم." هلولویاه! تحصیلات، به سختی می توانم این کتاب را بخوانم، ولی پاسخ نیازت را دارم. این خوب است. مدرک دکترای پی.اچ.دی.^{۳۶} و یا ال.دی.^{۳۷} هیچ کدام را ندارم. ولی یک چیز هست که من دارم. پاسخ به نیاز. این بخشی است که می خواهم. این چیزی است که خدا از شما می خواهد داشته باشید. تمام چیزهای کهنه را دور بریزید. از تمام موقعیت اجتماعی و چیزهای دیگر بیرون بیایید و سهم خدا را بگیرید.

۱۱۷. چون آنچه از این دنیا برگرفته‌اید، در هنگام ترک دنیا، آن را ترک خواهید گفت. ولی اگر آن سهم خدایی را بیایید، شما را به بالا خواهد برد... ما همیشه از تضمین صحبت می کنیم تا تعهد بدهیم. بیایید بجای تعهد، آن سهم خدایی را به دست بیاوریم... و می دانید که هر دو موثر هستند.

۱۱۸. حال بینیم:

"^{۳۳} و چون رهایی یافتند، نزد رفقای خود رفتند..."^{۳۸}

نزد کشیش و کاهن برنگشتند. می بینید؟ این نشان می داد که آن را دارند. آنها نمی خواستند دوباره به سمت آن چیز کهنه، سرد و رسمی بازگردند. برنگشتند تا آن را بگویند. حال، اینجا را بین که با ما چه کردند. آنها رفقای خود را داشتند. تنها ده دوازده نفر آنجا بودند. ولی همین تعداد کافی بود.

"چون رهایی یافتند..."

^{۳۶} PHD - معادل مدرک دکتری در رشته‌های غیر پزشکی
^{۳۷} LD - متخصص تغذیه و یا بطور کلی مدارک تحصیلی تخصصی
^{۳۸} اعمال رسولان باب ۴ از آیه ۲۳

بعد از اینکه ایشان را مضروب ساخته و تهدید کردند، گفتند: "اگر دوباره به نام عیسی تعمدید دهید... او! او! این را جدی گفتیم." خوب، می‌بینید؟ "اگر دوباره به نام عیسی موعظه کنید، هر کاری که بکنید، شما را حبس می‌کنیم."

۱۱۹. گفتند: "این یک تهدید است. پس نزد سایر برادران برویم." او! راهش این است. در اتحاد، قوت است. در اتحاد، قوت است. گفتند: "نزد سایر برادران برویم تا ببینیم باید چه کنیم."

۱۲۰. حال، همه‌ی آنها دور هم جمع شده و داشتند تجربیات مختلفی را می‌گفتند.

"^{۲۳} و چون رهایی یافتند، نزد رفقای خود رفتند و ایشان را از آنچه روسای کهنه و مشایخ بدیشان گفته بودند، مطلع ساختند. ^{۲۴} چون این را شنیدند، آواز خود را به یک دل به خدا بلند کرده..."

حال به چیزی که گفتند گوش کنید. آنها برنگشتند بگویند: "خداوندا! متأسفم..." خیر. آنها قبلاً نجات یافته بودند. آنها از روح القدس پر شده بودند. حیات ابدی را داشتند.

"... آواز خود را به یک دل به خدا بلند کرده، گفتند: «خداوندا! تو آن خدا هستی...»"

آمین برادر پالمر! ^{۳۹} من این را دوست دارم.

"تو آن خدا هستی" این را می‌دانیم. "که آسمان و زمین و دریا و آنچه در آنها

است، آفریدی.^{۲۵} که بوسیله‌ی روح القدس به زبان پدر ما و بنده‌ی خود داود گفتی "

۱۲۱. حال نگاه کنید، آنها می‌خواهند برگردند و بگویند: "خوب، ما یک... حال، شما می‌روید و می‌گویید: "خوب، خداوند! یک لحظه صبر کن. آنها خیلی من را مسخره می‌کنند." آیا او نگفت که این کار را خواهند کرد؟

"تمام آنانی که در خداوند عیسی زیست می‌کنند، باید متحمل زحمات بشوند."

"خوب می‌دانی، رییس من گفت اگر او... " آیا او نگفت که این را خواهند گفت؟

"خوب می‌دانی، آن روز من را بخاطر این مسئله دادگاهی کردند..."

۱۲۲. آیا او نگفت که شما را بخاطر نام من به حضور حکام و سلاطین می‌برند؟ "اندیشه مکنید که چه بگویید، زیرا گوینده شما نیستید." وقوع این را دیروز دیدم. "این روح القدس است که در شما ساکن می‌شود. او تکلم خواهد نمود." ^{۴۰} "می‌بینید؟ آمین! درست است." "اندیشه مکنید که چه بگویید."

^{۲۵۱۱} که... که بوسیله‌ی روح القدس به زبان پدر ما و بنده‌ی خود داود گفتی: «چرا امت‌ها هنگامه می‌کنند و قوم‌ها باطل می‌اندیشند؟^{۲۶} سلاطین زمین برخاستند و حکام با هم مشورت کردند، برضد خداوند و برضد مسیحش.»^{۲۷} زیرا که فی الواقع بر بنده‌ی قدوس تو عیسی که او را مسح کردی، هیرودیس و پنطیوس پیلطس با امت‌ها و قوم‌های اسرائیل با هم جمع شدند.^{۲۸} تا آنچه را که دست و رأی تو از قبل مقدر فرموده بود بجا آورند."

اوه خدای من! این را دوست دارم. آنها دارند کاری را بجا می‌آورند، که تو گفتی

^{۴۰} اشاره به انجیل متی ۱۰ : ۱۹، انجیل مرقس ۱۳ : ۱۱، انجیل لوقا ۱۲ : ۱۱ و عبرانیان ۱۱ : ۴

باید انجام دهند. کتاب مقدس چه می گوید؟ "در ایام آخر مستهزئین، جاه طلب، خودپسند، که عشرت را بیش از خدا دوست دارند، ناپرهیزگار، متنفر از نیکویی که صورت دینداری دارند، ولی قوّت آن را انکار می کنند، خواهند آمد..."^{۴۱} آنها هرگز به آن بالا نرفتند تا قوّت بیابند. "پس از این روح القدس بر شما می آید..."، "صورت دینداری دارند، ولی قوّت آن را انکار می کنند،" این چیزی است که روح القدس است. می بینید؟

آنچه مقدر گشته بود... تا به انجام رسد.

"^{۲۹} و الآن ای خداوند! به تهدیدات ایشان نظر کن و غلامان خود را عطا فرما تا به دلیری تمام، به کلام تو سخن گویند."

اوه! این را دوست دارم. آن استخوان کهنه‌ی قدیمی را بردار و یک ستون راستین در آنجا بگذار.

حال... "به کلام تو سخن گویند، به دراز کردن دست خود..."

"به دراز کردن دست خود به جهت شفا دادن" اوه برادر! دیوها نمی میرند، ولی روح القدس هم همین طور است. می بینید؟

"^{۳۰} به دراز کردن دست خود به جهت شفا دادن و جاری کردن آیات و معجزات، به نام بنده‌ی قدوس خود عیسی."

می دانید که آنها به چه چیزی اعتراض داشتند. نمی دانید؟ امروز هم همین کار را می کنند، ولی کمترین فایده‌ای ندارد.

^{۴۱} اشاره به دوم تیموتائوس باب ۳

"^{۳۱} و چون ایشان دعا کرده بودند، مکانی را که در آن جمع بودند به حرکت آمد و همه به روح القدس پر شده، کلام خدا را به دلیری می گفتند."

۱۲۳. خداوند! زمانی که آنها به آنجا رفتند، چیزی یافتند. اینطور نیست؟ وعده گفته بود... این چیزی است که روح القدس است، دلیری دادن به شما، تسلی دادن به شما، مَهر کردن شما، نشانه دادن به شما. اوه خدای من!

۱۲۴. گوش کنید. اوه! ای کاش وقت داشتیم. می توانیم در اعمال رسولان ۸: ۱۴ با فیلیپس به سامره برویم. آنها یک شادی عظیم را یافته بودند. شفاهای عظیمی داشتند. به نام عیسی مسیح تعمید یافته بودند. ولی به دنبال پطرس به اورشلیم فرستادند. او به آنجا آمد، دست بر آنها گذارد و ایشان روح القدس را یافتند. اعمال رسولان ۸: ۱۴

۱۲۵. امت‌ها، یک نفر از امت‌ها به نام کرنلیوس بود. او مردی نیکو بود. ده یک پرداخت می کرد. کنیسه‌ها برای قوم ساخته بود. خدا را محترم می داشت. خدا ترس بود. یک انسان خوب، یک پرزبیتری، متدیست، باپتیست و یا هر چیز دیگر. می بینید؟ یک مرد خیلی خوب. ولی یک روز خدا گفت: "او مرد خوبی است. پس می خواهم او را به یک جلسه بفرستم. باید واعظ خود را بفرستم تا در این مورد به او بگویند." بسیار خوب.

بعد او یک رویا دید و گفت: "^۵ کسانی به یافا بفرست و شمعون ملقب به پطرس را طلب کن ^۶ که نزد دباغی شمعون نام که خانه‌اش به کناره دریا است، همان اوست. او به تو خواهد گفت که تو را چه باید کرد." ^{۴۲} چون او چیزی یافته است.

۱۲۶. و درحالی که پطرس آنجا ایستاده بود... و کرنلیوس می خواست که آن واعظ

^{۴۲} اعمال رسولان باب ۱۰ از آیه ۵

را پرستش کند. او... پطرس گفت: "برخیز، من خود نیز انسان هستم."

و درحالی که پطرس این سخنان را می گفت، که چطور آنها رفتند... و همین چیزهایی که من در موردش صحبت می کنم؛ چطور خدا وعده داد تا روح القدس را بریزد و... درحالی که این سخنان را می گفت، روح القدس بر ایشان نازل شد و تمام ایشان با روح القدس پر شدند.

۱۲۷. اکنون توجه کنید. در افسس یک برادر باپتیست بود. او ابتدا یک وکیل بود، یک فرد خردمند، تحصیلکرده، قانون دان، یک مرد بزرگ و یک دانشمند. یک روز داشت کتاب مقدس را می خواند. او دید که یک نفر باید بیاید به نام ماسیح، و زمانی که این را خواند، در مورد عیسی شنید و گفت: "من قانع شده ام، و ایمان خود را اعلام می کنم به اینکه عیسی، مسیح پسر خداست." او یک باپتیست واقعی بود. او این طور ادامه داد: "آشکارا اعلام می کنم که عیسی، مسیح است." او آن قدر این را ادامه داد که خدا او را به خدمت فراخواند. خدا همیشه با قلب های راستین صحبت می کند.

۱۲۸. و در آنجا یک چادر دوز قدیمی به نام اکیلا و پرسکله بودند، یک زن و شوهر، آنها خیمه دوز بودند. اعمال رسولان باب ۱۸ این را به شما می گوید. آنها دوستان پولس بودند. آنها تحت تعالیم پولس و تحت دستان او، روح القدس را یافته بودند.

آنها شنیده بودند که آنجا یک بیداری در جریان است. تنها ده یا دوازده نفر به آن توجه می کردند. پس او به آنجا رفت تا آن را ببیند، و دید که این واعظ با تمام خلوص قلب خویش موعظه می کند. گفت: "می دانی، گمان می کنم او حقیقت را شنیده است." پس بعد از اینکه جلسه به اتمام رسید، آن واعظ را به پشت خیمه خواند و گفت:

"بین! ما یک برادر بسیار عزیز داریم. یک یهودی با بینی کج. اما وقتی بیاید، کلام خدا را آشکارا برای تو تعلیم خواهد داد."

۱۲۹. خوب، بعد از مدتی... پولس در همان زمان در زندان بود. یک مکان بسیار مهیب برای یک واعظ امروزی. اینطور نیست؟ ولی او در زندان بود. خداوند او را در آنجا قرار داده بود. بعد از اینکه زلزله شد، زندان را به لرزه در آورد. او زندانبان و تمام خانواده‌اش را گرفت و همه‌ی آنها را در نام خداوند عیسی تعمید داد. آنها را ترک کرد و به راه خود ادامه داد.

و به تازگی دیوی را از یک دختر که در آنجا پیشگویی می‌کرد، اخراج کرده بود. آنها از طریق او کسب درآمد می‌کردند و پولس صدای آنها را درآورده بود؛ به همین خاطر او را به زندان انداخته بودند. پس آنها به این دلیل او را زندانی نمودند و خداوند زندان را فرو ریخت. زیرا او کسانی را برای شنیدن حقیقت در آنجا مقدر نموده بود. شما نمی‌توانید کلام خدا را محبوس نمایید. این... نمی‌توانید این کار را بکنید.

۱۳۰. پس او به جایی که این مردان، اکیلا و پرسکله بودند، آمد. شاید آنها با هم یک ساندویچ خوردند و شاید بلافاصله بعد از اینکه ساندویچ‌ها خورده شد، گفتند: "به آنجا، به آن بیداری خواهیم رفت."

پولس ردای خود را گرفته و آن انتها نشسته بود و به موعظه‌ی این واعظ باپتیست گوش می‌کرد.

گفت: "چیزی که تو موعظه می‌کنی، خوب است. ولی چیزی بیش از آن هم هست." گفت: "دکتر آپولس! می‌خواهم از تو یک سؤال بپرسم. آیا زمانی که ایمان آوردی، روح القدس را یافتی؟"

او! به او گفت: "بلکه نشنیدیم که روح القدس هست! منظورت از روح القدس چیست؟ ما باپتیست هستیم."

گفت: "از کجا می‌دانید که باپتیست هستید؟" می‌بینید؟

"ما باپتیست هستیم... ما فقط تعمید یحیی را می‌شناسیم."

او گفت: "البته او تعمید توبه می‌داد و به قوم می‌گفت به آن کسی که بعد از من می‌آید، ایمان بیاورید. یعنی به مسیح عیسی."

"^۵ و چون این را شنیدند در نام عیسی مسیح تعمید یافتند. ^۶ و چون پولس دست بر ایشان نهاد، روح القدس بر ایشان نازل شد و به زبان‌ها متکلم گشته، نبوت کردند." ^{۴۳} گفت: "هر آن کس..."

۱۳۱. حال، حال، چگونه این کار را انجام دهیم؟ می‌خواهم یک چیزی به شما بگویم... و بعد مطلب را تمام می‌کنم. چون گفتم که شما را زود مرخص می‌کنم. می‌دانید که روح القدس چیست. بعنوان آخرین مطلب امشب. مطالب زیادی اینجا دارم، ولی باید از آنها صرف‌نظر کنم. اول قرن‌تین باب ۱۲.

چند نفر به تعلیم پولس ایمان دارند؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] او در غلاطیان ۱ : ۸ گفت: "بلکه هرگاه ما هم یا فرشته‌ای از آسمان، انجیلی غیر از آنکه ما به آن بشارت دادیم، به شما رساند، اناتیماد. " می‌بینید؟ هیچ ارتباطی با آن ندارید.

۱۳۲. حال این را بنگرید... اول قرن‌تین باب ۱۲. چند نفر می‌دانند برای اینکه ما در

رستاخیز سهمی داشته باشیم، باید در مسیح باشیم؟ چون این بدن اوست که خدا وعده داد بر خیزاند. [جماعت می گویند: "آمین!"] هیچ طریق دیگری نیست. هیچ راه دیگری نیست. اگر خارج از مسیح باشید.

ممکن است به این عقب، به اینجا نگاه کنید، به او ایمان بیاورید و بگویید: "قطعاً من به او ایمان دارم. او پسر خدا است." خوب است برادر من! حاضرم وقتی این را می گویند، دستتان را بفشارم. "من به او ایمان دارم. او را بعنوان منجی خود اعتراف می کنم." این خوب است. ولی شما هنوز در او نیستید. "من با واعظ دست می دهم. گناهانم را اعتراف می کنم." هنوز هم در او نیستید.

۱۳۳. حال نگاه کنید. ببینید که پولس گفت چطور به مسیح وارد می شوید. چطور بعنوان یک مختون شناخته می شوید؟ ابراهیم، آنها یک نشانه داشتند. حال به این گوش کنید. اول قرنتیان باب ۱۲، و از آیه ۱۰ شروع می کنم: ۴۴

"۱۲" زیرا چنان که بدن یک است و اعضای متعدد دارد و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار است یک تن می باشد، همچنین مسیح نیز می باشد. "نه اینکه منقسم شده باشد، بلکه یک. گوش کنید.

زیرا با یک کلیسا...؟ چند نفر این را با من می خوانند؟ با یک بار دست دادن؟ با یک آب؟ نه، آن وقت در اشتباه هستید.

«به یک روح»... آیا این یک سرمایه است؟ پس روح القدس است. می بینید؟

"۱۳" ... به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم، خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام،

خواه آزاد، و همه از یک روح نوشانیده شده‌ایم."

۱۳۴. بدن مسیح، یک روح است. جایی که اعضا از پنطیکاست تا این زمان، از همان شراب تازه می‌نوشند؛ همان روح القدس، و همان ثمر را به بار می‌آورند. این چیست؟ این یک نشانه است.

در بازِ خدا. یک مُهر است. یک شفیع است. یک تسلی بخش و تضمین است. آرامی است. نیکویی است. شفاست. حیات است. این در بازِ خدا به سوی مسیح است که...

خدا اثبات نمود که عیسی را از موت برخیزانیده و در رستاخیز آنان را که در مسیح مرده‌اند، با مسیح می‌آورد. "و روح قدوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختون شده‌اید، محزون مسازید." ^{۴۵} چند نفر به این ایمان دارند؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۱۳۵. مسیح چیست؟ روح القدس چیست؟ چیزی نیست که مردم به آن بخندند. چیزی است که مردم به آن می‌خندند. ولی برای ایمانداران چنین نیست.

برای بی‌ایمانان... ای کاش دو تا سه هفته وقت داشتیم. می‌خواهم فردا شب به این موضوع پردازم که این برای بی‌ایمانان چیست. این یک موضوع خنده‌دار است. یک دام است. مرگ است. جدایی ابدی از خداست. نمی‌توانم به چیزهایی که مربوط به بی‌ایمانان است، فکر کنم.

۱۳۶. یادتان باشد، همان بارانی که بی‌ایمانان به آن می‌خندیدند، همان بارانی بود که نوح و خانواده‌اش را نجات داد. می‌بینید؟ همان روح، «روح القدس» که مردم آن را مسخره کرده و می‌گویند جنون است، یک مشت دیوانه. این دیوانگی است. همان

^{۴۵} افسسیان ۴ : ۳۰

چیزی است که کلیسا را خواهد ربود و در ایام آخر به بالا خواهد برد و داوری را بر بی‌ایمانان خواهد آورد. این چیزی است که روح القدس هست.

۱۳۷. خوشبحال آنان. باشد تا این را در خلوص قلب بگوییم. که گرسنه و تشنه‌ی آن هستند، زیرا ایشان سیر خواهند شد.

۱۳۸. فردا شب می‌خواهیم در این مورد صحبت کنیم که «وقتی بیاید، چه می‌کند».

۱۳۹. حال، چند نفر در اینجا می‌خواهند روح القدس را ببینند و مایلند کسی برایشان دعا کند، تا نور را ببینند؟

حال می‌دانید که «چیست».

حال، فردا شب می‌خواهیم به این پردازیم که «چه می‌کند».

۱۳۹. و شب بعد موضوع این است که «چگونه آن را دریافت کنیم» و بعد می‌خواهیم از افراد دعوت کنیم. افراد را راهنمایی کنیم و بعد به اطاق‌ها برویم و در آنجا بمانیم تا زمانی که روح القدس بیاید. حتی اگر تا کریسمس طول بکشد. درست است. می‌خواهیم از یک پایه‌ی کتاب مقدسی به آن برسیم. می‌خواهیم به همان صورتی که خدا وعده داده و در ابتدا انجام داده، به آن برسیم. این کاری است که می‌خواهیم انجام دهیم. من... فرقی نمی‌کند که دیگران چه می‌گویند.

در قلب من، این کلام خداست که حائز اهمیت است. اگر چیز بیشتری هست، آسمان را باز کن، خداوند! چون قلب من بروی آن باز است. درست است.

۱۴۱. چند نفر این را می‌خواهند. اکنون دست خود را بلند کنید و بگویید: "برای

من دعا کن. " پس اکنون، همچنان که دستان شما بلند است.

پدر آسمانی! ما زمان زیادی تعلیم دیده‌ایم، ولی روح تو اینجاست. اکنون دستانی رو به آسمان بلند شده و ایشان می‌دانند که این چیست. آنها می‌دانند که روح القدس به چه معنا است. خداوندا! دعا می‌کنم تا قبل از اینکه این جلسه به پایان برسد، هر دستی که اکنون به حضور تو بلند شده، آن را دریافت کند. این را عطا کن خداوندا!

۱۴۲. ما برای آنها دعا می‌کنیم. می‌خواهیم که ایشان را مبارک بسازی و خواست قلب ایشان را به ایشان عطا کنی. به دستان ایشان بنگر، خداوندا! آنها تو را دوست دارند. آنها این را می‌خواهند. آنها می‌دانند که نمی‌توانند... فردا شب اگر مرا امداد نمایی، می‌توانیم این را از کلام اثبات کنیم که بدون آن ر بوده نمی‌شوند. پس پدر! دعا می‌کنم که گرسنگی و تشنگی به ایشان عطا کنی، تا بتوانند سیر گردند. اکنون ایشان را به تو تقدیم می‌کنم. پدر! این برکات را چون در نام عیسی می‌طلبیم به ما عطا کن. آمین!

دوستش دارم

چون نخست او مرا دوست داشت

و نجات مرا بر صلیب جلجتا مهیا نمود

۱۴۳. می‌خواهم قبل از اینکه دوباره سرود را بخوانیم، این را بگویم. جمعه شب قبل از شروع جلسه، می‌خواهم با گروهی از خادمین ملاقات کنم. می‌دانید؟ جمعه شب، من...

می‌دانید می‌خواهم چکار کنم؟ برای اینکه نشان دهم این چیست، چگونه به آن بنگرید و... آن وقت نمی‌آید که در تاریکی به چیزی چنگ بیندازید. به همین دلیل است که نمی‌خواهم این را امشب انجام دهم. می‌خواهم بدانید که این چیست. این یک

وعده است. یک مُهر است. یک تسلی دهنده است.

بعد فردا و پس فردا شب، آن را شروع می‌کنیم، تا آمدن روح القدس. مهم نیست که چقدر طول بکشد. ما تا آن زمان می‌مانیم. قلب‌هایتان را پاک سازید. او هرگز این را بر یک قلب ناپاک نمی‌ریزد. آماده باشید، و او این را عطا خواهد نمود.

دوستش دارم

(حال دست‌ها را بلند کنید.)

چون نخست او مرا دوست داشت

و نجات مرا بر صلیب جلجتا مهیا نمود

همین الآن شبان به من گفت که ما فردا شب بجای ساعت ۷:۳۰ جلسه را ساعت ۷ آغاز می‌کنیم و من موافقم. این باعث می‌شود به جای ساعت ۹:۳۰ ساعت ۸:۳۰ جلسه را تمام کنیم. فردا ساعت ۷ جلسه آغاز خواهد شد. من پیغام را ساعت ۷:۳۰ آغاز می‌کنم.

دوستش دارم

(دست‌هایمان را به حضور او بلند کنیم.)

دوستش دارم

(حالت رسمی را رها کنید.)

چون نخست او مرا دوست داشت

و نجاتم را بر صلیب جلجتا مهیا نمود

بسیار خوب. حال شبان شما، برادر نویل.^{۴۶}